

نویس

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱ - دی ماه ۱۳۵۴

طبقه کارگر ایران پیامی خیزد

راهزنی گیرد. و عین بیجی فرو
نشسته ه امواج بعدی فراموشند
اغبار صراط به انصافات و لغز امان
کارگری به مطهرات فرمایتی و راه یرو
تاجزین های د پانسی که چیز
بفرید ر صفحه ۲

آهنگ مبارزات و انصافات
کارگری را ایران اوج روز افزونی
می گیرد. امواج انصاف طی رضم
معطر نریزه و غفطان میکی پس از
دیگری کارگاهها و کارخانجات

سر مقاله

یک ضرورت

مادر درانی زندگی می کنیم کنگنه
مطبی در تمامی تاریخ انسان است و
باک اواز سر ما به د لری و سوسالیسم
ه از جوامع طبقاتی به جامعه بدون
طبقه و فارغ از بهره کشی و ستم
شخصی می شود. این دوران که از
انقلاب کبیر سوسالیستی اکثر
آغاز شده دوران بهد لری خلقی می
فرورختن نظام ستمرانیستی
امپریالیسم و تحولات و انقلابات
اجتماعی است.

امروزه ما شاهد رشد فزاینده
سوسالیسم در قیاس جهانی هستیم
که هم اکنون یک سوم بشریت را از
اسارت و بردگی اجتماعی و اقتصادی
آزاد کرده و متاقیر حرکت امپریالیسم
ارتجاع راه صد اد را آورد می رود
تا بچشم ما در گستر خود را در سراسر
جهان به امتزاز در آورد. در
چنین دورانی است که رژیم های
پوسید و وارثی یکی پس از دیگری
ساقط می شوند و خلق های یکی پس
از دیگری سرخوش خود را به
دست می گیرند. و بنام لائوس
کامیج همیشه بهر تغال و ...
نمونه های از این روند به دست
داد ما ند. اما هنوز رژیم های
فاشیست و خونریزی نظیر رژیم های
فرانکو در اسپانیا به میخوشد رشیله
نصری را سرود ان و شاه در ایران
و جز در آنکه سازمان ما انصاف
نیستند. آن ماه به گذشته
تعلق دارند و ناگزیر عوشتان تا
همین امروز و فردا است.

بفرید ر صفحه ۲

سیاست خارجی

بفرید طی شاه

در این روزها در ارتباط با گسترش
جنگ کثیف واحد های ایرانی در قطار
و جنگالی که در پیروای ت لرتنر کتدر
این جنگ وامت اد و امتان به جنبه
د مکرراتی خلق بین بهرامانده افته
سیاست خارجی کشور ما امکاناتی که
برای پیش گرفتن و دنبال کردن سیاست
خارجی صالح سازنده موجود است در
مرکز توجه وسیع ترین محافل سیاسی
کشور مضمون رارتش و افسران
قرار دارد.

ما در این مقاله نظر حزب توده ایران
را درباره سیاست خارجی سالم و
طبی مطرح می کنیم و در این متن به
نظریات و به اصطلاح تئوری های
سیاست خارجی رژیم ننگامی
می اندازیم.

نخستین مطلبی که در باره
سیاست خارجی کشور می توان گفت
این است که ما چنان امکاناتی برای
تعقیب سیاست خارجی صالح و
صلح جویانه و در نتیجه برای تامین
بهترین شرایط رشد و تکامل همه
جانیه در اختیار داریم که نظیر
آنها کمتر می توان یافت. کشور ما
در حال حاضر با هیچ یک از
همسایگان خویش

بفرید ر صفحه ۲

در این شماره

- ۱- طبقه کارگر ایران بهای می خیزد
- ۲- سیاست خارجی ایران بهیام شاه
- ۳- نظری به فرمان شاه ولا بهیسه
دولتی به اصطلاح گسترش مالکیت
واحد های تولیدی
- ۴- بهام پانزدهمین بلنوم کمیته
مرکزی حزب توده ایران به یزید انیمان
سیاسی
- ۵- بهام پانزدهمین بلنوم کمیته
مرکزی حزب توده ایران به انصاف
و سازمان های میهای مکرراتیک جهان
در دفاع از زند انیمان سیاسی
- ۶- ضرورت تشدید مبارزه علیه
امپریالیسم
- ۷- موقعیت آموزش و پرورش بر ایران
راه تکامل آن
- ۸- نامه نینت کمیته مرکزی حزب
توده ایران به کمیته مرکزی حزب
زحمتگشان و مقام
- ۹- سی امین سالگرد تاسیس جمهوری
د مکرراتیک و مقام
- ۱۰- استاد بوم، شبلی
- ۱۱- نجوم و تخریب خانه های
مردم توسط عمال رژیم شاه
- ۱۲- رویدادها

یک نیروی - بقیه از صفحه ۱

در همین ماجرای استسباه و خون آشام که یک بار خلق ما او را از ایران رانند اما دوباره با کمک باری امپریالیست های لیبرالی و انگلیسی برگشت و سابه شوم خود را بر این سرزمین بازگستر داد و غارت ثروت های ملی و استثمار وحشیانه زحمتکشان همین ما با امپریالیسم جهانی همکاری کند .

نظامیگری افراطی و بی بند و بار ، تجاوز به کشورهای دیگر و سرکوب خلق هایی که برای آزادی خود به پا خاسته اند ، حمایت بی قید و شرط از هارت ترین مخالف امپریالیستی و جنف طلب ، برپادادن ثروت ها طبیعی و انسانی کشور ، ایجاد محیط رعب و وحشت و ترور پلیسی ، بازگذاشتن دست جلا ددان ساواک و رتجاوز به حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم ، راه بستن برائشه و پیشرفت فرهنگ ملی ، دموکراتیک و انقلابی به کمک سر نیزه فروش هایی است که این رژیم سفاک و فاشیست مآب برای حفظ سیطره - امپریالیسم و غارت کشور ما به کار گرفته است و می گویند کشور ما را به زائده سرمایه داری انحصاری جهانی مهمل کند .

اما خلق ما در برابر این همه بی عدالتی و ظلم ساکت نمی ماند همچنان که در طول مدت چند سال تاریخ معاصر خود ، از زمان انقلاب روطیت تا کنون ، نواره بر نهد امپریالیسم و ارتجاع پیکار کرده است . . . و اکنون نیروی سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه را با تمام وجود خود احساس می کند . اما برای رسیدن به این هدف ، یعنی سرنگون کردن رژیم استبدادی شاه ، باید تدابیر جدیدی باید سیاست های ضد مردمی رژیم را هر چه بیشتر افشاء کرد و با برهاری و اصولیت انقلابی توده ها را برای نبرد قطعی و نهایی سازمان داد و آماده کرد و برای نبرد به این مقصود باید همه جریان های انحرافی درون جنبش را که به ضایع انقلاب زبان می رسانند و بهترین نیرو ای جوان و صادقی را به بیراهه می کشانند افشاء نمود و با آن ها مبارزه کرد . باید ادبیات راستین انقلابی را به وسعت منتشر کرد و در دسترس مردم گذاشت . لنین کبیر می گوید وقتی تئوری انقلابی به میان توده ها راه یافت در آن جا به یک نیروی عظیم مادی تبدیل می شود که هیچ سد و یاری مقاومت در برابر آن نخواهد بود .

در شرایطی که رژیم استبدادی شاه هر مدای آزادی خواهی و حق طلبی را در گلو خفه می کند و می گویند از بی بداری توده ها جلو گیری و انقلاب بی خون صدیق باید نشر افکار انقلابی در میان توده ها از

همه وسائل ممکنه استفاده کنند . همان گونه که لنین تاکید می کرد یکی از مؤثرترین این وسائل روزنامه است . به همین سبب است که ما تصمیم گرفتیم با توجه به رشد فزاینده مبارزات و تظاهرات گوناگون توده های مکه ملی رزم فشارها و سرکوبی های وحشیانه رژیم شاه - ساواک به سرعت اوج می گیرد ، و نیروی انتشار وسیع تر ادبیات انقلابی در میان توده های زحمتکش مکه هر چه بیشتر احساس می شود ، انتشار این نشریه را آغاز کنیم و "نقد" ریز آزادی را که چند ان هم در نخواهد بود به نشرات دهیم .

طبقه کارگر ایران - بقیه از صفحه ۱

در پیجه سرای تهنوع لور برای جلا د و زندانبانان خلق بخند دیگری نمی دانند ، راهی ندارند مگر آنکه ساواک با تمام نیروی خود از انتشار این گونه خبرها و درز کردن آن ها به محیط خارج از کارخانه و کارگاه جلوگیری می کند . این کوشش ساواک پیش از آن که از قدرت و تسلط او حکایت کند ، حاکی از ترس و بیسی است که رژیم گدیده "شاه - ساواک" از طبقه کارگر ایران ، این گویند استبداد و سرمایه دارد . -

ساواک به خطر بالقوه ای که با رشد پرتلاریای ایران فزونی می گیرد ، واقف است . او می داند که اگر این خط با ظرفیت های انقلابی جنبش ها در میان کارزار نهد ، درهای جهنم به روی فاشیست ایران و آنچه ما و حواریین ریزه خوارش بازمی شود و دیگر کاری از شنگجه های قرون وسطایی این و کینه دوده ها

شنگجه گاه دیگر در گونه کنار این کشور - زده ساخته نیست . رژیم شاه - ساواک سرگ خویشترا در سیمای بر غرور و بالنده پرتلاریای ایران می بیند و برای این که این روز محتوم را هر چه بیشتر به عقب بپیندازد ، با جمعی حکومت و انواع وسیله ها و اخراج ها و بگیر و ببند ها سعی می کند امصافات و جنبش های کارگری را در منطقه خفه کند و اگر در این مرحله موفق نشد - که در بسیاری از موارد هم نمی شود - از انتشار اخبار آن جلوگیری کند . ساواک می داند که این گونه خبرها باری از آگاهی سیاسی در خویش دارد و خود سبب تهنوع توده های وسیع تر کارگری و دیگر زحمتکشان می شود . نگاهی - اگرچه گذرا - به امصافات کارگری بر محدود اصل ، نهد و خنده رویشی اساسی و تمهیل - بخشن در امصافی جامعه ما است . هر گوش تیز و روشا این صدارا می شنود و اگر هم نشنود ، وطنین آن به حکم تاریخ و حقانیت خویش و نیروی تکامل ، در سراسر این سرزمین به گوش خواهد رسید .

تاریخ مبارزات کارگری ایران اسدال پایزنه شای برده شده و تجربه آفرینی از اعتصابات و اعتصابات و نظارت در اشکالی متنوع هفتی تر شده . اعتصاب بزرگ کارگران نساجی مازندران و کارخانه گونی باقی شای نمونه قابل توجهی از این جنبش ها است که به شیوه محصل مکتوبین خوبی درباره آن ها منتشر شده .

در جریان اعتصاب کارخانه گونی باقی شای که با پیروزی کامل قرین شد همین از دو هزار کارگر به حرکت در آمدند و کارفرمایان دیکتاتور با و حق کشی را که دولت بر آنان گماشته بود با سروری خونین و دست و پای شکست از کارخانه بیرون کردند . در اعتصاب کارگران کارخانه نساجی مازندران در حدود دو هزار و پانصد کارگر با سازمان پلیس و ساواک به زد و خورد پرداختند و شش تن از کارگران در جریان این بیگار بهر شهر لیبقاتی شهید شدند و صد تا نفر به زندان افتادند . اما شمر شای با فریب پرولتاریای مبارز خود بیدار شد . معصامین شای و دانشجویان شهر با صل به یاری برادران کارگر خود شناختند و دوش به دوش - آنان فعالانه در نیرو با پیروهای گیز و محمد خلقی مردم شرکت جستند . زنان کارگران به شوهران خویش پیوستند و دانه اعتصاب به جدی گسترش یافت که در شهر شای حکومت نظامی اعلام شد .

در اعتصاب کارخانه نساجی مازندران به پیروزی ۲۴ - کارگر شرکت کردند و طی ۳۲ ساعت مقاومت جانانه موفق به دیکته کردن خواست های خود شدند . اعتصاب کارگران ماری تیس در تهران با پیروزی کامل سرانجام پذیرفت و کارفرما در زیر فشار کارگران به پذیرش همه تقاضای آنها تن در داد . هزاران نفر از کارگران کارخانه های ساک و توانیر و آزمایش جنرال موتورز ایران ناسیونال چاپخانه و ۲۰ شهر پیرو کاشی سازی ایوانو جنرال تایر در تهران و نیز مس سرچشمه در کرمان و ماشین سازی اراک و نفت آبادان با اعتصابات و تظاهرات جانانه خویش برگه های درخشان به کارنامه مبارزات کارگری ایران افزودند . آخرین برگ این کارنامه با اعتصاب بیش از دو هزار تن از کارگران گروه های آجر پی در اطراف تهران که خواستار اضافه دستمزد بودند تشکیل شده . به این کارنامه می توان ماجرای ده ها اعتصاب بزرگ و کوچک دیگر را اضافه کرد که در حومه این مقاله نیست .

نمونه های پراکنده ای که از اعتصابات و حرکت های کارگری در دست است و نشان دهنده رشد تضادها و تناقضات اجتماعی به ویژه تضاد در عرصه کار و سرمایه است که انعکاس آن با تلاطم های لیبقاتی و جنبش های صنفی به شکل های متنوع رخ می نماید . پرولتاریای ایران اینک خصمه ای به بازار بزرگ

امپریالیسم جهانی است . حضور مستقیم و غیر مستقیم سرمایه های امپریالیستی و وابستگی و هم جوئی اقتصادی ایران با اقتصاد امپریالیستی ، این امکان را فراهم آورده که نیروی کار کارگر ایرانی از طرف سرمایه های بزرگ خارجی و حرکت های چند ملیتی به سه غارت ریز و ذر استثمار کارگر ایرانی امپریالیسم نقش بازی و مصلحت داشته باشد . این امر خود تضادهای اجتماعی طریعین تر می کند و تضاد بنیادی بین کار و سرمایه به بد پرتحرک تری می دهد . طبیعتی است که زیر این فشار چند لایه ، طبقه کارگر ایران احساس تنگی نفس می کند و برای احقاق حق چپال شده خویش به دست و پا می افتد و به گشتن می پردازد .

اعتصابات کارگری اسدال با وجود آن که هنوز - ۶ ماه به پایان سال باقی است ، هم از نظر کمی و هم از جهت کیفی از اعتصابات و تظاهرات سال گذشته پس فراتر رفته است ، همچنان که اعتصابات سال قبل در قیاس با سال ماقبل رشد چشمگیری را نشان می داد .

در هشت ماه گذشته ده ها هزار کارگر با خولست های متفاوت کف تصور لیبلی اکثر آن ها بهبود شرایط کار ، افزایش دستمزد ها ، برخورداری از حق بیمه درمان و باز نشستگی و نیز امنیت در برابر تهاجمات ناشی از کار بوده ، به اعتراض برخاسته و تا مرحله اعتصابات وسیع حنفی و گاه حتی سیاسی پیش رفتند . بر این جنبش های حق طلبانه اعتراضی ، به ما کارگر زحمتکش با گلوله های امریکا کانا سلحه مردوان ساواک و نوکران فرومایه و ضد خلقی شاه شلیک شده در خون پاک خود غوطه ور شده اند و به شهید پیوسته اند .

در اعتصاب کارگری ، شکست به مفهوم نهایی آن وجود ندارد . اگر يك اعتصاب به پیروزی برسد علاوه بر ثمرات آنی ، طبقه کارگر را برای مبارزات آینده و طرح خواست های جدید در جهت بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد تجهیز می کند و روحیه مبارزه جویی را در او بر می انگیزد . و اگر شکست بخورد ، نه تنها تجربه ای پر حاصل برای خیزش های بعدی برجای می گذارد ، بلکه غیر مستقیم ، استثمار کنندگان و کارفرمایان دولتی و غیر دولتی را وادار می کند برای جلوگیری از بحران ها و جنبش های آتی ، دست به عقب نشینی نامعینی بزنند و انگیزه ها و عوامل ناراضی کارگران را تا حدی تعدیل کنند . از نقطه نظر منافع کارگران این خود گامی به پیش است .

بهر شکست در وطن خود درس بزرگی نهند و دارد پرولتاریا هر بار که برای احقاق حقوق خویش بر می خیزد نخست با چنگ و دندان کارفرما و در کار او

صورتی که رژیم روبرو می‌شود. بدینسان چه بسا که یک تقاضای ساده و طبیعی صنفی با خون و باروت در می‌آمیزد. با این برخورد های اجتناب ناپذیر زحمتکشان در می‌یابند که برای تغییر اساسی شرایط کار و به وجود آوردن شرایط یک زندگی انسانی برای خود منه فقط با کارفرما، بلکه مهم تر از آن با چاهای رژیم روبرو هستند. این روندی است آگاهی بخش که مبارزات صنفی را به سوی مبارزات سیاسی سوق می‌دهد و پسرولتاریا را به درک این حقیقت ابدی و قانونمند سوق می‌دهد که جز با تشکیل درحزب خویشی و آمیختن مبارزات صنفی با مبارزات سیاسی مرامی در پیش پای او باز نیست. یا باید برده باشد، یا برای پاره کردن زنجیرهای بودگی، در برابر سازمان وسیع و بفرنج استعمار و ماشین پره رتد و آن، از حمایت و نیروی پیش برنده سازمان سیاسی خود برخوردار باشد. تحقق حزب طراز نوین طبقه کارگر، چیزی که باید این طبقه را برای در هم شکستن نظام استعمار و برقراری جهانی عادل و بی کینه و جنت توانا سازد، با درک این واقعیت آغاز می‌شود. از این رو است که هر اعتصاب کارگری صرف نظر از دستاورد های صنفی خویش و شکست ها و پیروزی ها مرحله ای آن، از دیدگاه انقلاب یک پیروزی است. در هر اعتصاب یک تشکر و وحدت است و در هر وحدت علی یک با نیایی و کشف دوباره خود. در چنین موقتی است که ما باید به بررسی و ارزیابی اعتصابات روز افزون کارگری ایران بپردازیم و از آن بیاموزیم و به آن بیاموزانیم. و این آموزش های تجربی و علی را در جریان فعالیت های سیاسی و انقلابی به کار گیریم. نخستین و بدیهی ترین درسی که اعتصابات زحمتکشان ایران و به خصوص پسرولتاریا - در روند اوج گیر و فزاینده خود - در پیش روی ما می‌نهد، خط بطلانی است بر تئوری های خود ساخته و غیر علمی که به سبب دیدگاه تنگ نظرانه خرده بورژوازی و ایمان آن، رسالت تاریخی طبقه کارگر را با الفاظ توخالی، اما به ظاهر خوش آب و رنگ انقلابی، مورد تردید قرار می‌دهد. راستی های چپ نما یعنی مائوئیست ها که بی تایی و جوشش و تحرک درونی و تضاد ذاتی پسرولتاریای ایران را نمی بینند و یا نمی خواهند ببینند، هنوز با این دعوی کهنه به میدان می آیند که صدای انقلاب را باید از روستاها شنید. آن ها در تقلید کورکورانه از این تئوری خشک و پیش ساخته، تا آنجا پیش رفته اند که این اصل اساسی مارکسیستی - لنینیستی را زیر پا می گذارند که برای تعیین مسیر حرکت هر جنبش انقلابی و تشخیص

نیروهای اصلی و ذخیره آن، باید دید تغییر تحول در کدام نقطه جامعه میزند، یا تندتر می زند، بر شهر یا روستا؟ تکامل اجتماعی جامعه به کدام مرحله رسیده و طبقات اصلی اجتماع با چه کیفیت و کیفیت و در کجا مستقر هستند؟ انتقال بی توین یعنی رشد یابنده ترین طبقه ای که مهم ترین خواست های سیاسی و اقتصادی را مطرح می کند کدام است؟ اگر این راست های چپ نما، صمیمیت انتقال بی و چشم باز و بی غرض برای دیدن و فهمیدن داشته اند، هرگز کارگران انقلابی ایران را که ضحک و انقلابی بودن خود را هر روز با وضوح و قطعیت بیشتری نشان می دهند و بهضاعت فراوان خویش را برای پیشبرد و تحمل جامعه به اثبات می رسانند، نادیده نمی انگاشتنند و با توجه به پروسه رشد این طبقه، آن را محتال شعاع خرده بورژوازی روستا قرار نمی دهند. تعداد کارگران ایران در شهر و ده اینک از مرز ۳ میلیون گذشته، آمار کارگران صنعتی مستقر در واحدهای بزرگ کار و یا به عبارت دیگر پسرولتاریای صنعتی مدتی است که از مرز ۳۰۰ هزار فراتر رفته است. این رشد همچنان ادامه دارد و جهت حرکت جامعه ما را می نمایاند و نقش قاطع کارگران را در عرصه های اجتماعی و سیاسی تاکید می کند. اما چپ های دیگری هم هستند که از پس چپ می روند، تنها با چشم چپ به دنیا می نگرند و همه چیز را به اصطلاح چپ اندر توجی می بینند. گروه اخیر که اتفاقا حسن نیت بیشتری دارند و عناصر فداکار، وطن خواه و پر شور در میان آن ها فراوان است، از ضلوع افراطی دیگری پیروی می کنند که در نهایت به همان ضلوع گروه اول می رسد. این نادیده اند گذر شرایط مهیب ترین حکومت شکنجه و ترو و تعقیب، جنبش های خود به خود طبقه کارگری می تواند به وجود بیاید و اگر احیاناً چنین جنبش هایی در عرصه ای محدود و منززل پدید آید، به جز این که لحظه ای برای دندان های درنده ساواک باشد، سرنوشت دیگری ندارد. اما پاسخ دندان شکن این خیالهایی همانا و زنی گریه حرکت پهلوانی و مداوم طبقه کارگر ایران است که چون غولی شکست ناپذیر برخاسته و پایه زمین می گوید و از هم اکنون دور نمای بی تردید نبرد های - پیروزنده آینده خود را محصور می کند.

چپ روستا با برداشت های غیر مارکسیستی و یا درست تر بگوئیم ضد مارکسیستی خود جهت گیری مسیر نیروی حرکت روشنفکر انقلابی را به بیراه - می کشند و به جای این که او را به سوی پسرولتاریا این نیرومند ترین اراده انقلابی، سوق دهند و در دست

سیاسی و در شرایط موجود ایران نامکن می دانسته رشد روز افزون حرکت های استرالیایی و انحصاری و تظاهرات کارگری به اشکال متنوع آن است که قلمب از محدودی و حمایت دیگر توده های زحمتکش برخوردار است.

اگر قرار بود بر نیزه و اختناق در تحولات جاری نقش اساسی و تعیین کننده را بازی کند، اینست محیط کارگری ایران باید تنها گورستان ساکن و سردی می بود که در پهنای آن نه صدایی به گوش می رسید و نه حرکتی مشهود بود. اما واقعیت خلاف این تصور را نشان می دهد. هرچه مقدار سوزیزه های بیشتر شده اند، هر فشارها افزوده شده، زندان های تازمیر پا گردیده، جلادان و دوشیمان بیشتری به کار گرفته شده اند، جنبش های حق طلبانه کارگری ایران گسترش زیادتری یافته و همق و همفکری افزون تری گرفته است. این پدیده نوید بخش را بر روند خویش به بینیم و ایمان به اویم که طبقه کارگر ایران علی رغم تبلیغات و جار و جنجال های فریبنده و توخالی و کپی و کرای کرکننده مداحان و ضولیان بی شرم رژیم، به عنوان طبقه ای که روز به روز بیشتر به رسالت تاریخی خود واقف می شود، فعالانه گام در عرصه سیاسی و اجتماعی می نهد و هرگز حزب توده ایران به مثابه ستاد و سنگر اصلی و تنها حزب از آب و آتش گذشته خود حلقه می زند. احیای وسیع سازمان های حزب توده که به معنای شروع مرحله کپی نویسی در حیات سیاسی و اجتماعی ماست، به پدیمان آغاز شده است.

او تنگ می گذارند و از پروتاریا و دیگر توده های زحمتکش جدا می سازند. اینان با این پندار که نه در انطباق فعالیت های خود با شرایط عینی جامعه بلکه با جان به قهرمانی ها و دلگامی های فـروری پروتاریا را برای رزم های اساسی و نهایی به دلبر آماده کنند و پیشامنگ را در شرایطی نامعنا و در نبود ی نابرابر به در گیری وامیدارند و قربانسی می کنند، در حالی که به این توجیه آزرین شده لنینی علا بهانی دهند که وظیفه روشنگر انقلابی بودن تئوری انقلابی به میان طبقه کارگر و آشنا کردن این طبقه با جهان بینی ترقی طبقاتی خویش و آگاهی به رسالت تاریخی گرانمایه ای است که این جهان بینی را مکتب آن است. روشنگر انقلابی مادام که پروتاریا از صورت طبقه ای درخود به به صوت طبقه ای برای خود در نیامده و با تشکل در حزب سیاسی خویش به خود به مثابه یک طبقه با نقش اجتماعی و سیاسی فعال و تعیین کننده تکریمه است و وظیفه ضد است به فضا و محیط پروتاریا نفوذ کند و این طبقه را یاری دهد تا از ادراک فعالیت های محدود و کم اثر صنفی فراتر رود و با به میدان مبارزات سیاسی بگذارد. تمامی نقش خلاقه و سازنده روشنگر انقلابی در هر عمرترین شکل خود که به تعلق چنین روندی است. اما آن ها که از ناآگاهی و عجز خود در یافتن راه هژد در میان کارگران و شیوه های علی نزدیکی به این طبقه، قانون و تکریم ساختارند، جز این که با این قانون بی پشتوانه در این تئوری های ذهنی و فاه اصالت مدرسیه انقلاب سنگ بهندازند، یا حداقل نیروهای ارزنده انقلابی را به هژد بکشند و نه نابودی بسپارند خدمت دیگری انجام نمی دهند. این رهنمود پراج لنین بزرگ را از یاد نبریم که:

تم آشفته به خون
خون از این سینه بران شده دیگرگون
کوله بار پریشانت، چوب پرچم در دست
بامه خستگی و خوشنویزی،
بامه درد که می بهجم از آن برخویش،
بامه پاس که صحراست به آن آلوده،
بخش می آم، می آم بخش.

راد یوپیگ ایران

ارگان حزب توده، حزب طبقه کارگر ایران است. یوگ ایران را گوش کنید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه نمائید.
یوگ ایران همه روزه در دو نوبت به زبان فارسی پرنامه بخش میکند: نوبت اول از ساعت ۷ و نوبت دوم از ساعت ۸/۵ بعد از ظهر، بروی امواج ۲۷۲۵ و ۳۱ متر

کسبل پیشامنگ تنها به نبرد عظیم، مادام که تمام طبقه و توده های وسیع مومنج و شتیانی مستقیم از پیشامنگ یا لاقل مومنج به طاری خیر اند پشانه ای را نسبت به می در پیش نگرفته و ناتوانی کامل خود را در و شتیانی از دشمن وی نشان نداده اند، نه تنها سفاقت بلکه جنایت خواهد بود. و اما برای این که واقعا تمام طبقه و توده های وسیع زحمتکش تحت ستم سرمایه چنین مومنجی را در پیش گیرند، ترویج و تبلیغ تنها کافی نیست. برای این کار تجربه سیاسی خود این توده ها لازم است. چنین است قانون اساسی گلیه انقلاب های کبیر...
اما پاسخ آن دوستان و مبارزانی که جنبش های خود به خود طبقه کارگر و ارتقای آن را به سطح

سیاست خارجی ۰۰ سابقه از صفحه ۱

سنگه مورد تلاطم کوشکی ندارد و همه مرزهای ما در قرار داد های دو جانبه و بین المللی تعیین و تثبیت شده و همین کس نسبت به ایران ادعای ارضی ندارد. همسایه شرقی ما افغانستان هرگز برای ما دشواری ایجاد نکرده پاکستان با ایران روابط - دوستانه ای دارد و همچنین مناسبات ترکیه و ایران نیز دوستانه است و چین و شوروی که عضو سنو هستند اگر به فرض محال از جانب محافل امپریالیستی هم تعریک شوند در حال حاضر قادر به ایجاد - دشواری خاصی نیستند و کشور ما با ایجاد مناسبات سالم می تواند به دوستی آنان و بالا ایل به بی محدود ماندن آنان مطمئن شود. مناسبات ما با عراق که چندین سال از آن کوهی از دشواری ها ساخته بودند آسان تر از آنچه گمان می رفت روزی شده و از آن جا که عراقی علاقمند به رشد اقتصادی طی خودش و در رقیب با دشواری های تحول و رشد است و بالاتر از آن به دلیل این که جمهوری های سیاست خارجی نمد امپریالیستی را دنبال می کنند ما می توانیم روابط خود را با عراق بر مبنای سالم و دراز مدتی استوار کنیم.

طولانی ترین مرز ما، مرز شمالی با اتحاد شوروی است که به معنای واقعی کلمه مرز صلح و دوستی است و نه تنها مرز صلح و دوستی است بلکه وجود آن مناسب ترین شرایط را به وجود می آورد که کشور ما از ماجراها به دور بماند و بتواند همه انرژی و نیروی خود را صرف رشد و سازندگی می ریزی بنیاد های سالم و مستحکم در سیر تکامل کند. کشور شوروی سال ها است سیاست صلح و همزیستی صلح آمیز را اعلام و اجرا کرده و مرزهای ایران بارها از جانب امپریالیست ها برای تحریک و تجاوز طبع شوروی به کار گرفته شده اما اتحاد شوروی سیاست همزیستی و صلح آمیز صلح را از دست نداده و برای گسترش مناسبات صلح آمیز با کشور ما از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. سیاست صلح و همزیستی سلامت آمیز که اتحاد شوروی در مقیاس جهانی تعقیب می کند در زمان ما پس از فراز و نشیب های فراوان و از طریق مهار کردن متجاوز ترین محافل امپریالیستی موفقیتهای چشمگیری به دست آورده و سیاست تشنج زدایی در مقیاس جهانی دارد. جای می افتد. کشورهای اروپایی بنا به پیشنهاد اتحاد شوروی و با کوشش مداوم و پیگیر این دولت چندی پیش در هلندینگی به دور می نشستند و قرار داد امنیت جمعی اروپا را امضا کردند. مرز های موجود را به رسمیت شناختند و راه را برای

گسترش با زحم بیشتر مناسبات صلح آمیز گشودند. این است که سیاست صلح و دوستی که اتحاد شوروی تعقیب می کند بر خصم ایگان این کشور نیز تاثیر می گذارد و در مناصب شمالی شوروی در اروپا و فنلاند و سوئد و از زمره معدود کشورهای جهانند که در واقع دشواری سیاست خارجی ندارند. کشور دیگری دو غرب اتحاد شوروی وهم مرز کشورهای سوسیالیستی اروپا یعنی - المجرش از این واقعت که حد فاصل دو نهانی امپریالیستی و سوسیالیسم قرار گرفته است. مگر کرده و سیاست خارجی بی طرفی را پذیرفته و عملا از ایجاد کشمکش و تشنج خارج شده است و حتی آلمان غربی که در سال های پس از جنگ جهانی دوم مدت ها اسیر تو مات و نفرت های تلافی بیهوده بود و به طوره اوم در تشنج به سر می برد اینک به دست سیاست داران داخلی واقعت جهان را پذیرفته و زندگی صلح آمیز در کنار کشورهای سوسیالیستی را در محیط جنگ سرد به نفع خود نیافته و موفق شده است محیط بالنسبه سالمی بر اطراف خویش به وجود آورد و روابط خود را با همسایه گسترش دهد. نه تنها آلمان بلختری بلکه همسایه ها در کنفرانس امنیت هلستینگی به مرور استقرار مناسبات سالم و صلح جویانه و به امکان گسترش روابط بین کشورهای وابسته به نظام های مختلف احترام کردند و بر آن صحنه گذاشتند.

آنها هم این واقعت ها نشانها را با اهل صحنه جنگ سرد و دوران تازه ای از مناسبات جهانی و همکاری بین کشورهای نیست؟ آیا هم ایرانی هم نظر از نظای که دارد و صرف نظر از این که نظام سوسیالیستی شوروی را ناچه حدی می پذیرد و یا نمی پذیرد نباید به همین واقعت بینه شد؟ ما در واقع بر سر دو راهی بهشت و جهنم قرار داریم. اگر از این سیاست افسار گسیخته و تحریک کننده نظامیگری دست بکشیم و ثروت های ملی را به جای سختن در جیب امپریالیست های خارترگر و توطئه گر در جهت پیشبرد منافع توده ها به کار ببریم و سیاستی منطبق با مصالح عالی ملی خویش در پیش بگیریم و راه زندگی صلح آمیز واقعت تعیین شده را به روی خود می گشاییم. و اگر به روش نامعقول و ضد ملی کنونی و نوکری امپریالیسم ادامه دهیم، در معرض این خطر واقعی قرار خواهیم داشت که ماجراجو ترین محافل امپریالیستی منافع ملی ما را وجه انحصار هدف های خویش قرار دهند و به طوره دائم محیط سیاسی تشنج و جنگ سرد را در کشور ما بگسترانند که حداقل زبان آن صانعتز تکامل و کمی بالاتر جنگ و ویرانی است. اتحاد شوروی پیشنهاد می کند که در آسیا نیز نظام امنیت جمعی به وجود آید یعنی این اصل اساسی

مورد پذیرش واقعی دولت ما قرار گیرد که تمامیت -
اراضی همه کشورها محترم است و هر کشور حاکم بر
سرزمینش و تعیین کننده امور داخلی خویش است و
مسائل سیاسی باید از طریق سیاسی و نه از راه زور
حل شود و مناسبات صلح آمیز اقتصادی و بازرگانی
و فرهنگی گسترش یابد و تقاضای متقابل به صورت
وظیفه‌ای برای دولت صادر آید.

حزب توده ایران معتقد است که تهران می‌تواند
به یک صحنه مسیونری آسیا شود. کشور ایران برای
داشتن امنیت تضمین شده به جای این که سیاست
خارجی ماجراجویانه‌ای را دنبال کند و به صورت
زندان منطقه و زائده‌نمایی و اقتصادی و سیاسی
امپریالیسم ظاهر نشود باید به پیروی از یک شیوه
دموکراتیک و تقاضای بپردازد. اما چنین سیاستی به
مذاقی شاه سازگار نیست.

برخلاف ادعای شاه جهان ما نه به سوی بسی
اقتداری قراردادها بلکه به سوی استحکام قراردادها
و توافق‌هایی می‌رود که در جهت صلح و امنیت طویل
باشد. دوران جفا سرد سپری شده و دولت‌های
جهان بیش از پیش متوجه می‌شوند که از راه جمع‌آوری
نی‌توان به امنیت دست یافت. توافق پروس امنیت
جمعی در اروپا نمونه روشنی است. وقتی از شاه
می‌پرسند که اگر قراردادها بهتر نیست و آیا واقعا
تنها و به ابتکار نیروی صلح خویش سیاست‌های
خود را دنبال می‌کند و پاسخ می‌دهد که نه اسلحه
برای ما در حکم قتل نیست در است. این قتل در
مواقع خطر به ما امکان می‌دهد آن در عاقبت کنیم
تا دوستان امریکایی ما به کمکمان بشتابند.

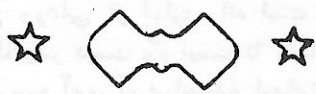
ولی عجیب آن که شاه درست برعکس ادعای خود
عمل می‌کند و فکری کند گویا مرکز ثقل جهان است و بدین
کمترین احساس مسئولیت دست خود را در هرگونه
شرارتی باز می‌گذارد و گمان می‌کند که از هم‌جارات
صحن می‌ماند. در این جا به چشم‌چینیات بار شاه که
حاضر است جهان را به آتش بکشد و هم تزلزل اراده
او آشکار است. برخلاف تصور شاه حتی مرتجع ترین
مخالف امریکایی هم می‌دانند که رژیم او آینده‌ای
ندارد و برای شاه در عرصه سیاست جهانی
نقشی بهتر از پیاده قاشی نیستند و پیاده‌ای که شماره
آماده‌اند در لیبیا مناسب و به خاطر ضایع شخصی
خویش آن را تمیانی کنند. برخی از روزنامه‌نگاران
خارجی تودید خود را از سرانجام نزدیک و بی‌دورنمای
سیاست کور شاه پنهان نمی‌کنند و این عنصر بسی
مسئولیت را برای حقا ضایع در ارتدادت خود خطرناک
می‌دانند.

شاهی گوید که من ضد کمونیسم هستم. و با این
کلام تپه نغز شاهانه به خود سخن می‌دهد که علیه
خلق ظفار و به خواست امپریالیسم انگلیس و امریکه
جوانان ایران را در ظفار قربانی کند و در بحرین دست
به تحریک بزند و به امریکا در ایران پایگاه‌های نظامی
بدهد و ثروت‌های ملی را به زیر پای امپریالیسم
بریزد و منطقه را الحاق‌های از توطئه همیشه چینی
آسوده نگذارد. در حال حاضر پنجره کاخ نیاوران
صحتیما به امریکا باز می‌شود. شاه و نوجوه و نواسه‌های
کلی او ایران را به پایگاه تجاوزی امپریالیسم
تبدیل می‌کنند. شاه تهدید می‌کند که اگر یمن دست
بزنید جنگ سوم اتی را آغاز می‌کنم و تمام کشور را به
آتش کشانم و یک ایرانی را زنده نخواهم گذاشت!

چنانچه می‌بینید کشور ما به صحنای واقعی
کله بر سر دروازه‌ی بهشت و جهنم قرار گرفته است
ما امکان داریم که از امنیت کامل و تضمین شده‌ای
برخوردار باشیم و منافع خود را در سرتاسر سرزمین
خویش حفظ کنیم و با خیال راحت راه رشد و تکامل
سریع را بپیمائیم. اما حکومت استبدادی شاه ما را به
سوی جهنم سوق می‌دهد. این حکومت و حکومت
ایرانی نیست و در بیان امریکا در ایران است و کلید در
انحصار امپریالیستی نفت است. این حکومت به
جای منافع ملی و مصالح عالیه مردم ایران دواخواه
بقای امپریالیسم است و کینه‌های طبقاتی بیگانگان
را که اسیر توهمات خویشند پایه سیاست خارجی
قرار داده است. این سیاست هم اکنون به بهای جان
صدها سرباز و افسر ایرانی در عمان و به بهای اتلاف
مقادی عظیم درآمد ملی در نظامیگری و گسترش نفوذ و
حضور نظامی امریکا در ایران تمام شده و پایان آن
اگر گفته خود شاه را باور کنیم فاجعه است.

آیا فاجعه را نمی‌خواهیم یا امنیت ملی تضمین
شده را؟ این است پرسش بزرگی که در برابر ایرانیان
قرار دارد. حزب توده ایران هوادار امنیت ملی تضمین
شده است. ما پیشنهاد می‌کنیم که حکومت جنایتکار
شاه را که در بیان امپریالیسم است براندازیم و سیاست
واقعی و صلح‌جویانه‌ای پیشه کنیم. این راه به روی
کشور ما باز است. این فرصت را نباید از دست داد.

مرنگون باد
و هم صباه استبدادی شاه



فرمان شاه و گسترش مالکیت واحدهای تولیدی

سپاهیانند. اما شرکت های سهامی تن در خلق ترین کشورهای سرمایه داری نظیر ایالات متحده آمریکا نیز توده مردم را در نی گزید و تمام تبلیغاتی که پیرامون "سرمایه داری خلقی" و غیره می نمود بی پایه است. در آن کشورها نیز کار اصلی شرکت های سهامی عام عبارتست از جمع آوری سرمایه های کوچک تر در تحت سرمایه داران بزرگ. در ایران امروز برای ایجاد این نوع شرکت ها سهامی شاید زمینه کوچک اقتصادی بوجود باشد اما زمینه سیاسی و قنایی موجود نیست. زیرا سرمایه دار بزرگ و نه سرمایه دار کوچک از بلائی که ممکن است بر سر سهام و شرکت سهامی بیاید در امان نمیکنند. سرمایه داران به ویژه از شاه و خانواده سلطنتی و مقامات صاحب نفوذ پامیس و ارتش می ترسند و از ترس آن ها شرکت سهامی عام تشکیل نمی دهند، چراکه در چنین صورتی شاه و سایر مقامات صاحب نفوذ می توانند با خریدن چندین سهم از یک شرکت خود را در همه امور آن دخیل سازند و دشواری های زندگی به وجود آورند. از این جا است که سرمایه داران - ایرانی و حتی بزرگترین آن ها معمولاً ترجیح می دهند که شرکت های سهامی بسته و یا به اصطلاح خاص تشکیل دهند و سهام خود را بفروشند. این سرمایه داران اگر مطمئن می بودند که سهام شرکت آن ها را سرمایه داران کوچک و افراد متوسط الحال خواهند خرید و یا لال اگر اطمنان داشتند که در کشور قانون و حساب و کتابی در کار است البته بدین این که لازم باشد کسی به آن ها زور بگوید و قانون و فرمان به ناامان بنویسد خود با کمال میل سهم منتشر می کردند و پول های آزاد را در دست خود جمع می کردند. اما آنان اطمینانی به قانون ندارند و می دانند که در دست مردم پول زیادی موجود نیست و اگر سهام را عرضه کنند فلان دلال عمایرتی و مافلان - ظردان دیوان سازمان امنیت ده سهم از هزار سهم را می خرد و از فردا خود را همه کاره شرکت می داند. لذا آنان شرکت خاص می سازند تا سدی در مقابل این گونه دخالت ها بسازند. اولین و مهم ترین هدف شاه از صدور فرمان و تنظیم لایحه به اصطلاح گسترش مالکیت نیز شکستن این سد است. شرکت های سهامی تولیدی طبق قانون موظف به فروش بخشی از سهام خویشند تا دست دلال های شاموشهرام باز باشد. از این حیث روشن شاه شهادت فراوانی به روز پدرش دارد، با این تفاوت که وی نفوذ دلال ها

لايه گنده و بی سروتهای که به نام لایحه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تدوین شده بود از محسب دولت گذشت و بدولت لایحه تیار داد که موافق نیازند و جا خویش و تناسب قوای درون دولت حاکمه تصمیماتی درباره شرکت های سهامی موسسات تولیدی اتخاذ کند. هدف تمرکز مالکیت سرمایه در دست افراد - معدود تر و باز کردن راه دخالت هر چه بیشتر در باره این موسسات است که زیر نام در زمین گسترش مالکیت انجام می گیرد. در این بحث هدف ها و نتایج اجتماعی و اقتصادی اجرای این لایحه را بررسی می کنیم.

اولین شرکت سهامی قریب چهار صد سال پیش پدید آمد و از گسترش سریع شرکت های سهامی - در اروپا و آمریکا پس از صد سال می گذرد. نکته که به طور کلی و نا روشن در فرمان شاه و لایحه قانونی دولت گنجانده شده اینک دهها سال است که در کشورهای سرمایه داری به ظاهر یک امر عادی اقتصادی سرمایه داری ملاحظه می شود و لذا به در - فرمان شاه و نه در لایحه دولت نکته تازه ای جز تکرار اقدامات سرمایه داران سایر کشورها موجود نیست. با این حال در تصمیم شاه یک نکته به اصطلاح ایرانی وجود دارد و آن این که شاه می خواهد امرهای تاسیس و گسترش شرکت های سهامی و خرید و فروش سهام آن ها را نیز بیک امر غیر عادی و متکی به زور قدرت بدل کند. کلید درک ماهیت تصمیم شاه رانیز باید در همین جست .

باید دید چرا شرکت های سهامی در کشور ما به طور عادی گسترش نمی یابد که شاه می خواهد آن را بازو تحمیل کند و اگر به فرض بتوان این امر اقتصادی را به زور پیشبرد نتیجه آن چه خواهد بود. تاسیس شرکت های سهامی و خرید و فروش سهام آن در کشور ما با چندین دشواری روبرو بود. مهم ترین دشواری اقتصادی کمی سرمایه و پیرانداز در دست قشرهای وسیع مردم است. و مهم ترین دشواری سیاسی و قضایی نبودن امنیت هم برای خریداران سهام و هم برای صاحبان اصلی شرکت ها بود.

در کشور ما چنان که می دانیم توده وسیع مردم بسیار فقیرند و اگر احياناً قشر کوچکی از مردم متوسط الحال پس اندازی داشته باشد در فکر خریدن خانه ای سکونی و راهی از اجاره اند است. پول قابل ملاحظه ای در دست مردم نیست تا سرمایه داران بزرگ به قصد جمع آوری آن در اندیشه ایجاد شرکت های

و دهقانان را مجبور به فروش املاکشان می کرد و یعنی آن
 ما را به زیر ضرب می نمود . همه در شاه کمال خیرا
 از فوایدال بودن تهیه کرده همه سوی " تمدن بزرگ "
 می رود . البت سهام شرکت های سرمایه داری است
 الزام به فروش سهام شرکت ها تنها دست -
 شاه را در دخالت در امر آن ها بازمی کند بلکه -
 برای سایر سرمایه داران بزرگ و از جمله سرمایه داران
 خارجی و به ویژه بانک های مصلحت فرستی به
 وجود می آورد که به شرکت های کوچک تر چنگ بپندازند .
 در کشورهای بزرگ سرمایه داری که شرکت های سهامی
 شکل اصلی سازمانی و حقوقی موسسات اقتصادی
 آن ها است ثابت شده است که سرمایه دار بزرگ
 با در دست داشتن ده تا پانزده درصد از سهام
 یک شرکت کوچک می تواند اختیار آن راه دست
 گیرد . مثلا راکفترها بیش از سیصد شرکت سهامی
 را تحت کنترل مطلق خود دارند در حالی که در این
 شرکت ها معمولا بیش از ده تا بیست درصد -
 سرمایه ندارند . قدرت راکفترها و سایر سرمایه داران
 بزرگ نیز در همین جا است . آنان معمولا اختیار
 سرمایه های راک ده برابر سرمایه خود آن ها است به
 دست دارند . برای به دست گرفتن اختیار شرکت ها
 با خرید ده تا پانزده درصد سهام آن ها امرهای
 اقتصادی وجود دارد . اما اگر در کشوری علاوه بر
 انجمن های اقتصادی و امور های سیاسی نیز
 موجود باشند چه بسا بتوان اختیار شرکتی را بخریدن
 کمتر از پنج درصد سهام آن به دست آورد . مثلا
 در ایران کافی است که شاه یا اطراف کمتر از پنج درصد
 سهام شرکتی را داشته باشند تا تمام شرکت او مال خود
 بدانند . فرمان شاه و لایحه های که بر مبنای آن تصویب
 شده ظاهرا لایحه گرفتن مالکیت موسسات تولیدی
 ناصدمی شود طی در واقع همین لایحه به قصد تمرکز
 مالکیت این موسسات در دست بزرگترین سرمایه داران
 و مأموران دربار تنظیم شده .

اصولا شرکت سهامی برای تمرکز سرمایه به
 وجود می آید . سرمایه های کوچک جمع می شوند تا سرمایه
 بزرگی به وجود آورند . و از آن جا که اختیار
 شرکت در دست بزرگترین سهام داران است در عمل
 این سرمایه بزرگ در دست چند تن محدود متمرکز
 می شود . هدف از توفیق این لایحه نیز عبارت از کمک
 به تمرکز هر چه بیشتر مالکیت سرمایه وسیع هر چه -
 سریع تر به سوی انحصار است . در این امر چندین
 بابت بزرگ مخدئا قلمداد تا نقش اساسی ایفا خواهند
 کرد . درباره کارگران که گفته می شود با اجرای قانون

صاحب سهام خواهند شد ، باید بگوئیم که هم اکنون
 سرمایه داران بزرگ سهام چندین موسسه را وارد
 بورس کرده اند اگر کارگری پول داشته و قصد خرید
 سهام داشته باشد می تواند آن ها را بخرد . اما
 اکنون چنین کسی پیدا نشده است . کارگران
 که غذای آن ها تثبیت بیسی کولا است و آن هم گران
 تمام می شود نمی توانند سهم بخردند . در قانون
 آمده است که دولت با ایجاد یک سازمان ملی که
 مبالغ عظیمی از بودجه دولت را در اختیار خواهد
 گرفت به کارگران وام خواهد داد تا سهام خریداری
 کنند . اگر چنین کاری به الزام عملی شود نتایج آن
 واضع کردن کارگران برای مدتی نامعلوم و وابسته
 ساختن به موسسه ای است که به آن به همکاران محمدی
 ایجاد نوعی کارگروا بسته و جلوگیری از سیلان
 نیروی کار و جلوگیری از کارگرانی است که هر بار
 صدایشان در آفت صفحه و اشان به گردش بیافتند .
 در آیین نامه های که دولت تدوین کرده امکان انتشار
 سهام اضافی بیش بینی شده است و در نتیجه
 سرمایه داران صاحب شرکت امکان یافتند که مالکیت
 موجود خود را بیش از بهای اصلی آن تسهیم کرده و
 به جای سهم ده گانه کفزد بفرشند و اختلافی محاسبه
 راه جیب مبارک بپزند . تجربه سایر کشورهای
 سرمایه داری که شاه قنولات آن را به عنوان
 راه حل خالص ایرانی تجویز می کند نشان می دهد
 که طبقه کارگر قادر نیست سهام دار سرمایه دار
 شود و اگر تصادفا کارگری سهمی می خرد فرد مجبور
 به فروش آن است . این تجربه در کشورهای تلخی
 بیشتری تکرار خواهد شد ، چرا که در کشورهای
 قانون و حساب و کتابی در کار نیست . به گفته
 رسمی انصاری وزیر اقتصاد ، از پنجاه هزار شرکت
 سهامی فقط پنج هزار شرکت مالیات می دهند و
 چهل و پنج هزار شرکت مدعی اند که نهان داده اند .
 در چنین کشوری تکلیف کارگر روشن است . و اگر فرض
 دولت به نام او سهمی بخرد و به زیر پول آن را
 از گشوی بیرون بکشد و در اولین فرصت آقای
 سرمایه دار لطمه می کند که شرکت ضرر کرده و این
 وسیله ای است برای بالا کشیدن سهم کارگر . به
 علاوه در حالت عادی یعنی بدون حقه بازی نیز
 همواره احتمال نوسان بهای فروش وجود دارد . در
 کشوری که استخوانبندی اقتصادی آن محکم نیست
 به سادگی ممکن است بهای سهام این آید ، و
 سهام داران کوچک مجبور شوند سهم خود را به بهای
 نازلی به بزرگترها بفرشند . در این صورت تمرکز

سرنگونی رژیم سلطنت و استقراض جمهوری دموکراتیک و طی در کشورها به عنوان تحول بنیادی در جامعه ایران و سمت گیری تکامل سوسیالیستی آنرا پیش بینی می کند .

ما در این پنجم همچنین اوضاع جهان و ایران در لحظه حاضر و سرنگونی رژیم استبدادی صدرنما شاهی را به عنوان نخستین گام در راه انجام مکتوب تحول مرفقی بررسی نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که سرنگونی این رژیم جابر مرفوقی است که پانفصد صفر و بنیادی تناسب نیروها در صحنه جهانی به سود صلح و سوسیالیسم و پاکسازی مروج پیشرفت مبارزات مردم ایران به امکان واقعی بدل می شود . امر حق شما با خود شما استوار نشده است . سنگر نبرد با فراسیدن مداوم نیروهای تازه نفس پرمشورت سازمان های انقلابی رشد می کنند ، گروه های مبارزکی پس از دیگری پدید می آیند . شیوه های درست نبرد نبرد انقلابی پیش از پیش جایی افتد . جنبش انقلابی ایران دوران فریاد را پشت سر می گذارد تا به سوی انقلابی نهایی پیش رود .

اگر اتحاد عمل نیروهای خردرزم . و قبول از همه اتحاد عمل نیروهای انقلابی ایران تامین شود ، جنبش انقلابی با سرعت بیشتری رشد خواهد کرد . خواستار سوسیالیسمی فراهم خواهد آمد تا انقلاب ایران پس از سرنگونی رژیم در نیمه راه نماند . و با گام های مطمئن تری به سوی پیروزی های هرچه قاطع تر پیش رود .

پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب خود ما ایران این وظیفه را در برابر همه ارکان های مسئول حزب و همه اعضاء حزب قرار داد که با تمام قوای خویش برای تامین چنین اتحاد عملی بکوشند و متناسب با شرایط و امکانات واقعی و با توجه به ماهیت ابعادی هر یک از نیروها و سازمان های گوناگون انقلابی این اتحاد را به درجات گوناگونی از وحدت و یگانگی ارتقا دهند .

ما می خواهیم سازمان های حزب خود ما ایران گسترش یابد و محکم شود . همه مارکسیست لنینیست های اصلی و واقعی به نظام متقابل و یگانگی سازمانی دست یابند . همه نیروهای مرفوقی جامعه ایران در زیر پرده مشترکی متحد شوند و همه نیروهایی که برای برداشتن حتی یک گام مثبت آمادگی دارند برای سرنگونی رژیم بسیج گردند .

رفقای عزیز ، دوستان مبارز ! ما می دانیم که شما در پشت دیوارهای زندان غرورت انحصار عمل نیروهای مرفوقی . بجز در هم رابا پوست و گوشت خود

مالکیت سرمایه که مدد اصلی فرمان شاه است به او کامل تری اجرا خواهد شد . ما می خواهیم نیروهای مافی های کوچک را خواهند پدید .

در لایحه دولت واگذاری بخشی از بودجه دولت و فروش نمودن درصد سهام کلرخانجات دولتی به سرمایه داران در نظر گرفته شده است . ظاهراً صحبت از فروش آن ها به کنزگران است اما همه می دانند که آن دست از کوزه خانه های دولتی که واقعا سود آورند و به ارباب زبانی پول نقدی که دولت از بودجه خود به این بکار اختصاص می دهد و آینده نزدیکی به گاو صندوق شاه و درباریان و سایر کردن کلفت های نظام شاهنشاهی وارد خواهد شد .

این ها درست همان جنبه های اصطلاح ایرانی است که شاه به روش های مادی سرمایه داران بزرگ جهان افزوده است . در پایان بحث باید نکاتی را یاد آوری کنیم و آن این که همه آن چه که گفتم مربوط به زمانی است که فرمان شاه و لایحه دولت اجرا شود . ولی تجربه نشان می دهد که فرمان های کتبی شاه معمولاً غیر قابل اجراست ، مگر فرمان های شکنجه و اعدام که گمانیم نظمی برای آن ها فراهم است .

سرمایه به زندانیان سیاسی

رفقای عزیز ، دوستان مبارز ! پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب خود ما ایران از صمیم قلب به شما درود می فرستد . اسارت شما فرزندان راستین خلق در زندان های شاه تجسم اراده مردم آزاده ایران است که نمی خواهند در اسارت بمانند . پانک رسای شما مدت ها است که دیوارهای زندان ما را شکافته و از مریضای ایران گذشته ، و در سراسر جهان طنین افکن شده است . رضی که دوستان شما و شکنجه کرده ها مبارزندانی سیاسی ترقی خواه است حق حیات ندارد .

رفقای عزیز ، دوستان مبارز ! پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب خود ما ایران که با سکوت به یاد شهیدان و همزمان از دست رفته و یاد رود به زندانیان سیاسی کلر خود را آغاز کرد برای بررسی و اتخاذ تصمیم پیرامین یک رشته از مهم ترین مسائل انقلاب ایران گرد آمد . ما در این پنجم طرح برنامه حزب خود ما ایران را تصویب کردیم . این برنامه پس از تحلیل عمیق و علمی جامعه ایران و غرورت -

به شمارگان های مسئول حزبی ما بصورت داد تاپک بارد بگر همه امکانات را بررسی کنند و کارزار دفاع از زندانیان سیاسی را بازم بیشتر گسترش دهند .

رفقای عزیزه دوستان مبارز ما اطمینان داریم که جوانی شجاع در پشت دیوارهای زندان نخواهد پیسید و برخلاف میل رژیم فتنه پرور ایران که دشمن فضیلت های انسانی استه اندیشه خلاقه اسرزی جوشان و عزز اسخ شما برای خد دستبه خلق تا ابد محبوس نخواهد ماند . شما عزیزان خلق های ایرانید . خانواده های زجر دیده و چشم به راه شما زیر سایه محبت و حمایت همه خلق اند . مردی که امروز قلب و احساس انسانی خود را به پای شعار ختمانده فردا درهای زندان صارا خواهند گشود و شمار اندر آغوش خویش خواهند فشر تا شما جای شایسته خود را در ساختمان ایرانی آزاد و آباد بگیریید .

درد آتشین به زندانیان سیاسی ایران برقرار باد اتحاد بیکارجوی همه نیروهای انقلابی ایران سرنگون باد رژیم سیاه استبدادی شاه

همام به احزاب و سازمانهای دموکراتیک جهان در

دفاع از زندانیان سیاسی

رژیم استبدادی ایران که سال هاست بر مردم کشور ما تحمیل شده ، و با ایجاد محیط ترور و اختناق هرگونه آزادی را از مردم ایران سلب ، و حقوق انسانی آن هارا پایمال کرده ، اخیرا در سرکوب نیروهای مخالف و ابراد فشار هات وحشیانه به زندانیان سیاسی وارد مرحله نهایی شده است . به جرات می توان گفت که شیوه های اساسی رژیم دیکتاتوری ایران برای سرکوب و خفه کردن هرگونه صدای اعتراض علیه بیدادگری های آن همانند پوست ترین شیوه های فاشیستی رژیم هیتلر در آلمان ، و آن ترو در ویتنام جنوبی ، و پینوشه بر شیلی بوده است .

رهودن و سریه نیست کردن انسان نامه محکوم کردن بی گناگان در محاکم در بسته نظامی ، بدون مراحل گسترش اصول قضایی و اعدام ، زندانی کردن ، شکنجه دادن ، عتک احترام خانواده های زندانیان در قبال چشم آن ها ، شکنجه فرزندان در حضور پدران و مادران نمونه هایی از این گونه شیوه های فاشیستی است که رژیم ایران بعدست سازمان چنانچه بیکار تمام سلواک علیه همه کماتی که به این بی عدالتی ها به نهوی از انچه اعتراض کنند به کار می برد . هم اکنون ده هاهزار نفر

احساس می کنند چنین اتحادی را در صفوف خویش در داخل زندان به وجود می آورید و برای گسترش آن در خارج زندان نیز می کوشید . شهدای قهرمانی نظیر حکمت جو ، گسرخ ، دانشیان ، تیزابی ، گروه جزئی - صردی ، و ده ها نفر دیگر از زندانیان شهید که با استواری انقلابی و پاک بلورین خویش حماسه آفرینند ، در راه اتحاد نیروهای انقلابی همه ضد سرنگون کردن رژیم و ادامه هرچه قاطع تر انقلاب ایران می رزیدند ، و هم اکنون نیز آگاه ترین روشن بین ترین زندانیان سیاسی در همین راه می رزند .

حزب توده ایران تا آن جا که در نیروی او است برای تامین تقاض متقابل میان نیروهای انقلابی و برای از میان برداشتن مواضعی که در سر راه اتحاد عمل این نیروها وجود دارد کوشیده و خواهد کوشید .

رفقای عزیز ، خواهران و برادران زندانی مردم سیاه حاکم بر کشور ما تعداد زندانیان سیاسی را منتشر نمی سازد . زندانیان سیاسی و حتی زندان های سیاسی را از چشم مردمان پنهان می دارد . می گویند تا رابطه زندان را با جهان خارج قطع کند و دست خود را در انجام هر جنایتی علیه زندانیان سیاسی با بگذارد . اما پیوند شما با مردم ایران و با همه مردم آزاده جهان ناگسستی است . محبرهای زندان گاه به بهای جان مبارزین به خارج از زندان می رسد و با کمک همه عناصر مترقی در سرتاسر جهان انتشار می یابد . اینک افکار عمومی مردم مترقی جهان از وضع زندان های سیاسی ایران و از فشارهای تحمیل شده بر آن که به شما وارد می شود باخبر است . بسیاری از مردم جهان می دانند که در زندان های ایران زنان بارد را در کنار دوشیزگان نرسی ، پیران در کنار جوانان ، روشنفکران در صف کارگران به طرز حیوانی و وحشیانه شکنجه می شوند و زجر می بینند و طی رخم همسایین زجرها قهرمانانه می رزیند .

باید ارنی شما خواهران و برادران بیکار جو الهام بخش همه مبارزین ایران و باعث سر بلندی خلق های ماست . نفرت همه انسان های شریف جهان متوجه این رژیم و محبت بی پایان آنان منو چه شما است کارزار جهانی برای دفاع از شما و برای قطع هرگونه شکنجه و تامین رفتار قانونی و انسانی باشما و برای آزادی همه زندانیان سیاسی ایران گسترش می یابد . حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر و پیشگوس شهیدان و زجر دیده ان زندان های شاه ، همواره در این کارزار جهانی فعالانه شرکت داشته و برای سازمان دادن هرچه وسیع تر آن با تمام توان کوشید ماست . پانزدهمین پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران

از قهرهای گوناگون اجتماعی و از زن و مرد باطنی و
تنگنهای مختلفه به اتهام عدالت خواهی و دفاع از
حقوق انسانی و دینی خود در پیوفیه های زندان
ها و نیز شکنجه ها و سراسر انگیز و بولنگ با خطر
مرگ و نابودی روبرو هستند.

تنها مخالفان سیاسی رژیم آماج خون ریزیها
و وحشیگری های او نیستند بلکه همه کسانی که
به دفاع از مفاع صنفی و اقتصادی خود برخیزند
نیز بی رحمانه سرکوب می شوند. در سال های اخیر
شده اعدامات و دستانه رژیم علیه کارگران و زندانیان
استیم که به علت گران روزافزون زندگی و پائین
بودن سطح دستمزد ۱۸ درصد اجرائ قانون های دولتی
کار و بیمه شای اجتمعی و مالیات محفانه خود را
کرده و ناچار به اعتصاب شده اند. در تمام این موارد
ماهوران ساواک رواند ارم و پلیس اعتصاب کنندگان
را به خاک و خون کشیده و همه نهادهای از کارگران و
فعالین آن را دستگیر و زندانی و صدای آن ها را
در گلو خفه کردند.

پوش از نود درصد از زندانیان سیاسی یا صبی گونه
محکومیت دادگانی ندارند و با اگر هم محکومند گشتا
دران آن پیمان یافته و طی به دستور مستقیم شاه
دیکتاتور فاشیست ایران و همچنان زندانی اند. همه
فریبان شاه با پاید برخلاف وجدان و عرفان خود آن
چه را که ساواک به آن ها بکنه می کند در برابر و
تلویزیون و رسانه های که تشکیل می دهند بازگو کنند
این که در زندان ها مانند تهرک از شکنجه و عذاب
جنازه آن ها را از این سیاه چال ها آزاد سازد. در این
باره کجاستین دلیل اظهارات محمد دشتاد در حالیه
ماش با حضوران جزایه خارجی و در سخنرانی های
رایجی او برای مردم ایران است.

اوه مصمم خصم را به نابود کردن همه اعتراضات
کنندگان به رژیم به روشنی بیان کرده است و بر اساس
چنین تصمیمی است که دادستان کل ارتش ایران می پرسد
در باره هزاران هزار زندانی اعلام نموده که آن دسته
از زندانیانی که جوان هستند و قدرتی دارند باید آن قدر
در زندان بمانند تا پیر و طلیل و فرسوده شوند و
سپس از زندان آزاد گردند و دسته دیگری که تنها
سالخورده هستند آن قدر بمانند تا جنازه آنان از
زندان خارج شود.

بسیارند میهن پرستان که ده سال است در
زندان ها گرفتار عذاب و شکنجه هستند. و همان طور
که دادستان ارتش می گوید از لحاظ جسمی پیر و طلیل
شده اند. برای نمونه اساسی رفتاری چون طلی خاوری
و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و صفر قهرمانی

میان خبری تالی کیفش و محمد علی مصیب و در نهایت
شاکتی را ذکر می کنیم. سایرین دراز است که این
مردان با ایمان گرفتار انواع آزارها هستند و از زندانی
به زندان دیگر برده می شوند و دیگر جوانی و تندرستی
خود را از دست داده اند. روزی دیگر از آنها حزب
توده ایران و رضا صابر محمد زاده و عادل و محمد
به ترفیق و تخاصم حال از پیمان محکومیت شان می گذرد
و هنوز آزاد نشده اند. این بهادر گریها تنها نیست
به آنها حزب توده ایران نیست بلکه سرباره همه
زندانیان سیاسی ایران اصال می شود. نمونه آن
نظامی و جعفری و گوینی و شریفی و فریدون و اکبر
و مرتضای فر هستند که درون محکومیت شان در
است مهربی شده و باز هم چون دیگران زندانی اند.
لکن دیگر رژیم ایران به این اندازه از شکنجه

گری هم پسنده نکرده و از این سزایم فراتر رفته
است. به دستور شاه و بر پایه اندرز کوشناسان
آرکش امریکایی و متنام جنوسی که در ساواک به خدمت
شاه گریستند و جنایتکاری را به اوج خود رسانند و
به نابودی گروهی زندانیان سیاسی آغاز کرده اند.
جریان از این فرار است که طبیی نظر شاه این زندانیان
را بگروه های بخش کردند و بر حسب درجه اصمت از
نظر رژیم با مسائل گوناگون و به عنوان ساختگی
در رانده در جاهای ویرانی کبه آرکش اختصاصی
داده اند و یکی پس از دیگری نابود می کنند حتی جنازه
آنان را به خانواده های که از پام تا شام جلوه در
زندان ها در انتظار گرفتن خبری از بستگان زندانی
خود هستند نمی دهند. مادر این جا نام یک گروه سه
نفری از این زندانیان را که در اسفند ماه اخیر مارس
۷۵ زیر عنوان سخره قصد فرار با گوله ازای در آن زمان
ذکر می کنیم:

همین جزئی و ضحوف گلا نشوی و عباس سوکی و
حسن ظریفی و عزیز سرفی و صطفی جوان خوشدل و
احمد چلیق افشاره محمد طوغان زاده و کاظم
زوالانولر.

هدف این توطئه جدید از یک سو نابود کردن
مخالفان رژیم و از سوی دیگر کم کردن خطر زندانیان
سیاسی و باز کردن جا برای قهرانیان تازه ای است
که از سازمان ها و دانشگاه ها از مراکز مذهبی
از کوه ها و خیابان ها مانند صیل به این زندان
ها و زنجی و نیک جان روانه می شوند. فقط در یک
ماه و نیم اخیر دانشگاه های ایران و اوس دینسی
شهرت می قم و چند شهر دیگر شاهد صحنه های
خونینی از این گونه جنایتکاری ها بوده اند. در حوادثی
که در این شهرها رخ داده و در آن فرقه صدها

ضرورت نشدند

مبارزه علیه امپریالیسم

مبارزه ضد امپریالیسم و کوشش برای وحدت و یکپارگی نفوذ امپریالیسم و استعمار نو در ایران یکی از عناصر اصلی مبارزه برای ساقط کردن رژیم ضد خلقی و ضد ملی کنونی است و چرا که بی تردید فقط نظام دیکتاتوری سلطنتی در ایران افزار اجرایی سیاست نواستعماری امپریالیسم در همین ماست و بلکه در همین حال - امپریالیسم و ارتجاع بین المللی بیکه گاه های اصلی رژیم ضد خلقی و ضد خلقی کنونی را تشکیل می دهند. بنابراین مبارزه برای سرنگون کردن رژیم استعماری سلطنتی در ایران با مبارزه ضد امپریالیسم و ضد استعماری پیوندی ناگسستنی دارد. از یک طرف امپریالیسم با استفاده از سیاست خائنانه رژیم تمام مواضع حساس نظامی سیاسی و اقتصادی را در کشور ما اشغال می کنند و ثروت های ملی ما را تاراج می نمایند و از طرف دیگر خود شاه برای این که به اصطلاح - دستانش را در حفظ تاج و تختش زینفکند و روز به روز امکانات بیشتری برای توسعه نفوذ و سیادت امپریالیسم در تمام شئون کشور فراهم می کند. اینک نه تنها طایع نفتی میهن ما که مهم ترین سرچشمه عایدات کشور است عملاً در دست انحصارات فارتگر خارجی است و بلکه سرمایه های امپریالیستی بسیاری از رشته های حیاتی اقتصادی میهن ما را در تمام زمینه های صنعتی، معدنی، بانکی کشاورزی و غیره کنترل می کنند.

و اما آنچه که حزب توده ایران در لحظه کنونی روی آن بیکه می کند آنست که از نظر بین المللی شرایط مساعدی برای گسترش مبارزه ضد امپریالیسم و قطع نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در میهن ما وجود دارد. تغییر تناسب نیروها در مرصه جهانی به سود نیروهای صلح و سوسیالیسم و به زیان - امپریالیسم و استعمار نو به مقدار زیادی امکانات این جهانخواران را برای ایجاد فشار ملنی و دخالت آشکار در امور داخلی دیگر کشورها محدود کرده است.

یکپارگی در قیاس جهانی برای مبارک کردن متجاوزتر محافل امپریالیستی در جریان است که تاکنون موفقیت های بزرگی کسب کرده. فارتگری امپریالیست ماروز به روز بیشتر افشاء می شود و این اندیشه درست مارکسیستی - لنینیستی که ملل جهان باید از حقوق برابر برخوردار باشند به ظهور و افروزی در مناسبات جهانی رسوخ می کند.

موفقیت های کشور های نفت خیز در مبارزه علیه

فهر زحی و سپس زندانی شده اند. این ها نمونه های است از افعال مردم ترور و اغتشای در ایران. تاکنون چندین بار نمایندگان از طرف سازمان های بین المللی مانند حقوق انان و موکراته سازمان بین المللی طرفه کمیسیون حقوق بشر و شخصیت های برجسته قضایی برای دیدن اوضاع از نزدیک به ایران آمده اند که با وجود انواع مشکلاتی که حکومت اعیان برای پنهان کردن واقعیت در جلوی آن ها فراهم آورده در گزارش های و وجود ترور و اغتقاق و شکجه وی عدالتی هارا تائید و گزارش های خود را در نشریات معتبر جهان انتشار داده اند.

پانجم کمیته مرکزی حزب توده ایران با افشاء این همه جنایات و فجایع طول انگیز و هلام خطر مرگ برای هزاران نفر از فرزندان بی گناه میهن ما که گاهی جز علاقه به آزادی و عدالت و استقلال ملی ندارند از تمام نیروهای مترقی جهان و از سازمان های و موکراته بین المللی و از کمیته حزب مترقی و از سازمان بین المللی طرف و وابسته به سازمان ملل متحد و از کمیسیون حقوق بشر وابسته به همین سازمان و از آقای والد هایم و دیگر سازمان ملل متحد و از شخصیت های علمی و ادبی و فرهنگی جهان و از همه می طلبد که به باری زندانیان سیاسی ایران برخوردند و برای نجات جان آن ها از ابرقادی که می توانند خود را در نوزند و به مردم ایران در دفاع از حقوق انسانی خود باری رسانند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از میهن پرستان کشور و جنگش خود مان و از کمیته نیروهای متحد و دیکتاتوری و قطع نظر از اختلاف نظر های سیاسی آن ها خواستار است که در صف وحدی طیف این همصورت و یه ادگری و برای نجات جان خواهان و برادران هم میهن خود و از هر گروه و دسته ای که هستند مبارزه کنند.

داد یویک ایران

ارگان مرکزی حزب توده ایران و وجدان بودار گنیه نیروهای است که در راه آزادی و استقلال و رفاه و پیشرفت کشور ما علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند. دوستان و یک ایران را گوش کنید و شنیدن را به همه دوستان و آشنایان خود توصیه نمائید و کاری کنید که همه کس این مطلب را بداند که یک ایران همه روزه در دو نوبت از ساعت ۷ و از ساعت ۸ / ۵۰ بعد از ظهر هر روز امواج ۳۱ و ۲۶ و ۲۵ متر به زبان فارسی برنامه بخش میکند.

موضوعیت

آموزش و پرورش در ایران

وراه تکامل آن

چشم‌انداز آموزش و پرورش در ایران چنان تاریک و حزن انگیز است که هر ایرانی همین بدست‌رسانتر می‌کند. بااستفاده به آمارهای دولتی مأمم اکنون در برابر این واقعیت قرار گرفته‌ایم که از بیش از هشت میلیون کودک ایرانی که در سن تحصیلی تا ۱۱ سال قرار دارند تنها نیمی از آن‌ها به مدرسه می‌روند. از این عده تنها بین ۲۰ تا ۴ درصد دوره کوتاه پنج ساله ابتدایی را پایان می‌دهند و فقط ۱۷ تا ۲۰ درصد دوره های بعد از دبیرستان را می‌پسند و کمتر از ۲ درصد کل دانش‌آموزان دبیرستان‌ها امکان می‌یابند پایه دانشگاه و مدارس عالی بگذرانند.

ناوبری و تبعیض و بی‌عدالتی آشکار در پرورشی از آموزش در همه مراحل آن شکل طبقاتی آموزش و - سدها و موانع بی‌شماری که در راه دسترسی به آموزش و به بروداده آن در برابر فرزندان خانواده های محنتکش و کم درآمد کشور ایجاد شده است و موجب دورگرتزنگردی آموزش و پرورش و همگانی شدن نوایگان کردن آنرا بدان معنایکه دسترسی به آموزش از آغاز تا پایان بهره روی یکسان از آن برای همه کودکان و جوانان در شهرها و روستاها ممکن گردد به طور جدی مطرح می‌سازد.

نظام آموزشی حاکم نه تنها عقب مانده، ارتجاعی و برده پروراست و این آموزش نه تنها پاسخگوی نیاز های حال و آینده کشور نیست بلکه امکان دسترسی به آن و حرکت بر نودبان لغزنده آن و جز برای - عده‌های محدود و برای اکثریت کودکان و جوانان همین مادشوار است. باید به اندازه کافی پیل داشته توانا بود و تا از هفت خوان آموزش عبور کرد. در این نوبه آخر قرن بیستم و در این هنگام که انقلاب وسیع علمی و فنی با سرعت و بی‌توقفی در همه زمینه های زندگی گسترش می‌یابد و الگوهای زیست تغییر می‌کند و مفهوم خواست‌نا در گون می‌شود و این واقعیت که مأمم اکنون با سپاهی بی شمار از مرد می‌سوا با آموزش‌نازل و ارتجاعی و طبقاتی و از آغاز تا پایانه روبرو هستیم حزن انگیز است. کاروان آموزشی ما کند و بی هدف حرکت می‌کند. فاصله ما از دانش معاصر و از دستاوردهای علم و فن روز به روز زیادتر می‌شود. اراپه تاریخ در انتظار رسیدن ما نایستاده است. فاصله ما با جهان شرقی و پیشرفته هر روز بیشتر می‌شود. در کشور ما شکل آموزش و هدف آن و اگر هدفی برای آن قائل شویم و با واقعیت زمان و با

کارل بین‌المللی نفت و دولت‌های امپریالیستی مدافع آن یکی از بهترین نمونه‌هاست. دولت‌های عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت از نظر سیاسی واجتماعی همگون نیستند. عده‌ای از آن‌ها را تمسباتی ارتباطی و وابستگی محکمی به امپریالیست‌ها می‌بیند و با این حال اولیک روز به روز پیش می‌رود. امپریالیست‌ها گاه عطا و رسماً کشورهای نفت خیز را به دخالت نظامی و اشغال میدان نفتی تهدید می‌کنند اما نتایج‌ای نمی‌گیرند چراکه دوران این تهدیدها گذشته و محیط جدیدی در مناسبات بین‌المللی پدید آمده است که شاخص اصلی آن تقوی نیروهای متحد امپریالیست و صلحجو است.

قدرت روز افزون اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و سیاست صلح‌محیانه پیگیر آن‌ها و گسترش مبارزات طبقه کارگر و ملل اسیر عادل اصلی پیدایش این محیط جدید است و محیطی که به سوی تخفیف تشنج می‌رود و ملی زخم‌نوسان‌هایی که در امر سیاست طبیعی است و دربریز پیروزی نهایی برای مبارزین ضد امپریالیست به همراهی آورد.

بدین جهت شرایط بسیار مساعدی برای جلب مردم به پیکار طبقه سیاست اقتصادی و نظامی سیاسی امپریالیست‌ها در همین ماه و به ویژه تسلط آن‌ها بر منابع نفتی و دیگر مواد خام و صنایع و معادن و کشاورزی و همچنین تبدیل ارتش به زاهد ارتش‌های استعماری وجود دارد.

لزوم مبارزه برای حفظ استقلال و خاکمیت ملی برای قشرهای وسیعی از املالی قابل درک است. از سوی دیگر شرایط صلح بین‌المللی هم اجازتی دهد که برای قطع سیاست نو استعماری امپریالیسم در همین خود مبارزه کنیم. به خصوص دست‌فارتگر آن‌ها را از منابع نفتی خود کوتاه کنیم.

مبارزه برای خروج ایران از پیمان استعماری سنتو و از پیمان دوستانه با آمریکا و قبل از همه مبارزه برای خروج سربازان ایرانی از عمان که در کنارتش رومانی انگلیس و امریکایی به خاطر منافع امپریالیسم گشته می‌شوند و دست کشیدن از نژادگیری و اتذاد سیاست دوستی و حسن همجواری با صایگان می‌توانند اکثریت نزدیک به اعطای مردم همین مارا به خود جلب کند.

صورت‌نگارسی و رژیم استعماری

خدمت ملی و خدمت خلقی

شرط مقدم هرگونه پیشرفت جامعه ما

ببیند و بار خصوصی شود. نظام آموزشی ایران باید یکسکان گردد. شهریه‌های تحصیلی در همه مراحل آموزش باید لغو شود.

۵- کتاب‌های درسی ایران انباشته از اندیشه‌های ارتجاعی و فرین وسطایی است. این کتابها که گنیز زشت بندگی و شاه پرستی را تبلیغ می‌کنند باید دور ریخته شود. به دانش آموزان و دانشجویان باید امکان داد که خود را بی‌مراس چون ملرگ به پرواز در آورند. باید به آن‌ها امکان داد شخصیت خود را در خورندگی امروز بسازند. جوان ایرانی باید آنچه‌ای بیرون داد که بتواند با شایستگی در برابر کش‌های متضاد جهان امروز مقاومت کند.

این‌هاست مهم‌ترین نیازهای آموزشی جامعه امروز ما.

حزب‌بنوده ایران خواهان نظام آموزشی مرفقی است. حزب ما مردم ایران را برای ایجاد چنین نظام مرفقی آموزشی فرای خواند.

ناه تهنیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به

حزب زحمتگستان ویتنام

رفقای عزیزه به نام همه اعضای حزب توده ایران و همه مردم زحمتگن ایران، می‌امین سالگرد استقلال و تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوئیم.

سی سال پیش خلق ویتنام در نبرد طولانی علیه امپریالیسم و ارتجاع به پیروزی بزرگی نائل آمد و زیر رهبری حزب زحمتگستان ویتنام و پیشوای محبوب آن، هوش مین، انقلاب ملی و دموکراتیک را در بخش جمهوری دموکراتیک ویتنام به ثمر رسانید. سی سالگی گواز این پیروزی می‌گذرد، سی سال نبرد قهرمانانه و فداکارانه، سی سال کار سازنده و خلاق در زبواتش دشمن بود. در این سی سال جمهوری دموکراتیک ویتنام، ملی و خلقی و دساکس امپریالیسم، استقلال خود را تحکیم کرده، انقلاب را به مراحل عالی تری ارتقا داد و در کار ساختن سوسیالیسم به موفقیت‌های بزرگی نائل آمد. و اینک بهت نهایت خوشوقتی است که سی سالگی تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام بر سر ملیطی برگزار می‌شود که خلق ویتنام در سرتاسر آن کشور، هم در شمال و هم در جنوب به پیروزی تاریخی دست یافته و ارتش تجا و زکا بزرگترین، قدرتمندترین و معاصر، امپریالیسم آمریکا و همال آن را در هم شکست می‌دهم آزادی را در سرتاسر ویتنام برافراشته است. این

ارزش‌های ملی، با امکانات و نیازهای امروز و فردای جامعه ما انطباق ندارد. سرمایه‌گذاری در آموزش ناچیز است و کمیت و کیفیت نازل آن نه تنها مشکلات و ناراحتی‌های روانی و اجتماعی شدیدی را سبب شده است، بلکه رشد هماهنگ و سالم کشور را ناممکن ساخته است.

کشور ما به یک نظام آموزشی نپین دموکراتیک و تودمایی، عمیق و مرفقی نیازمند است. استقرار نظام نوین آموزشی در کشور، اگر این نظام شکل و محتوی ملی و دموکراتیک داشته می‌تواند نیروی آفریننده مردم را به حرکت درآورد می‌تواند افراد مسئول و آگاه و آزاد برای امروز و فردای کشور پرورش دهد. مشخصات چنین آموزشی کدام است و چگونه می‌توان تالوده آن را ریخت؟

۱- هدف غایی آموزش و پرورش ساختن انسان‌های کامل است. هدف، انسان و خوشبختی او است. آموزش حاکم ارتجاعی و بنده پرور است. این آموزش بر پایه نابرابری، پذیرش تسلیم و ناهقسی و اطاعت کورکورانه بنا شده است. این آموزش قرن وسطایی است و باید دگرگون شود.

۲- فضای آموزشی ایران محدود و عقب مانده، انحصاری و طبقاتی است. اکثریت فرزندان زحمتگستان بهین ما هنوز دسترسی به آموزش ندارند. صحبت این نیست که همه می‌خوانند، بخوانند و باید بخوانند. این نخستین نیاز آموزشی جامعه ما است. در کشور باید آن چنان شرایطی ایجاد شود که همه کودکان و جوانان امکان یابند به مدرسه بروند. آموزش از آغاز تا پایان باید همگانی و رایگان باشد. در نخستین گام باید همه امکانات مادی و معنوی را به بیکار واقعی و نه تبلیغاتی، هابی سواد می‌تجهیز کرد. این بیکار باید بیکار اقتصادی، مهارت‌ها، با تکنستی و فنی باشد.

۳- در بیکاری سواد می‌باید از زبان مادری کمک گرفت. رژیم شاه دشمن خلق‌های ایران است. رژیم شاه اجازه نمی‌دهد خلق‌های ایران به زبان مادری خود بنویسند و بخوانند. مانا که می‌کنیم که بدون به کار گیری زبان مادری در آموزش و پرورش کودکان و جوانان چرخ مهارت‌ها با بی‌سوادی نازد و چرخید. در ایران خلق‌های گوناگون زندگی می‌کنند. آموزش باید به زبان مادری صورت گیرد.

۴- در بازار آشفته آموزشی ایران انحصارهای آموزشی با برخورداری از حمایت دولت به غارت مردم پرداخته‌اند. آن‌ها نازلترین آموزش را به گرانترین قیمت می‌فروشند. آموزش دولتی باید جان‌سخت آموزش

پیروزی بزرگ حاصل و همی خودمندان حزب زحمتکشان
وینتام و تهرمانی خلق وینتام و کک بی شایسته
اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و حمایت
نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیستی جهان از امر
حق مردم وینتام است .

هوشی من و رهبر محبوب خلق وینتام و هموار
آتشین انترناسیونالیسم پرولتری و هموار تحکیم و
وحدت اردوگاه سوسیالیستی و وحدت همه نیروهای
مترقی و ضد امپریالیستی جهان بود . و امروز حزب
زحمتکشان وینتام و لادار به حمایت هوشی من در راه
حفظ این وحدت و تحکیم پیوند های خویش با
همه جنبش کمونیستی و انقلابی جهان می کوشد .
حزب نوپه ایران در تمام این سی سال که از
تاسیس جمهوری دموکراتیک وینتام می گذرد همواره در
کنار خلق وینتام بوده و آنچه در قوه داشته در راه
تحکیم یگانگی ضد امپریالیستی خلق های ایران وینتام
کوشیده است .

ما از مصمم قلب برای مردم وینتام و حزب برادر
زحمتکشان وینتام و جمهوری دموکراتیک وینتام پیروزی
های بازم بیشتری را در آینده زنده ای زندگی
آرزو می کنیم .

کمیته مرکزی حزب نوپه ایران
دیراقل - ایرج اسکندری

سی امین سالگرد تاسیس

جمهوری دموکراتیک وینتام

سی سال از آن هنگام که هوشی من در
میتینگ بزرگ شهر مانون اعلام کرد " از امروز در تاریخ
وینتام صفحه تازه ای کشوده می شود " می گذرد . در
این روز جمهوری دموکراتیک وینتام متولد شد و نخستین
دولت ملی همه خلق در آن تشکیل شد .

تاسیس جمهوری دموکراتیک وینتام یکی از نتایج
صمیم پیروزی بر فاشیسم بود . در ارزیابی خود از انقلاب
ملی و دموکراتیک نوپه در اوت ۱۹۴۵ که به اسارت
دیرین خلق وینتام پایان داد ، هوشی من تأکید
می کند " پیروزی درخشان ارتش قهرمان شوروی بر
فاشیسم و زب دنبال آن غریبه هلاکت باری که بر
امپریالیسم زاین وارد آمد ، راه پیروزی انقلاب ملی و
دموکراتیک نوپه در اوت ۱۹۴۵ وینتام را هموار کرد " .
مخارجند برای باهمال کردن این پیروزی امپریالیسم جهانی
دو بار و یک بار به دست ارتش استعماری فرانسه و
بار دیگر به سرکردگی پیش از نیم میلیون سرباز امریکایی
همه نیروی خود را به کار انداخت و ملی خلق وینتام

با برخورداری از کمک مستقیم و برادرانه و بی شائبه
اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و با حمایت
وسیع از جانب همه نیروهای ملی و دموکراتیک جهان
باید افکاری قابل تحسینی که از خود نشان داد در پیروزی
خویش را گهتاه کرد و آزادی سرزمین خود را بازگرداند .

سال ها خواهند گذشت ، قرن ها سپری خواهد
شد ولی خدای مهربان هلاکت باری که همین برستان وینتام
در دین بین فوج بر استعمارگران فرانسوی و در سایه گون
بر استغالگران امریکایی وارد آوردند هرگز فراموش نخواهد
شد .

جنگ وینتام برای امپریالیسم امریکا بسیار کسران
تمام شد . بر این جنگ امپریالیسم امریکا بیش از سیصد
هزار گشته و زخمی داد و یک خند و پنجاه میلیون
دلار خرج آن کرد . ولی از این کشور چه بود ؟ علیه
جنگ تجاوزی امپریالیسم امریکا در وینتام و تزد فراع
از مردم این سرزمین و همه نیروی عده بهیاضاخته :

چایچه کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی
و کارگری و جنبش های ملی بختی ملی در این میان
کک های بی شائبه اتحاد شوروی و نخستین کشور -

سوسیالیستی جهان و به خلق وینتام نقش عمده داشت .
هوشی من و رهبر فلیک خلق وینتام و روان دونگ و

نخستین وزیر جمهوری وینتام و در تلگراف خود به حزب
کمونیست و دولت اتحاد شوروی به حمایت پنجادمین
سالگرد انقلاب اکثر جنبش می نویسد : طلب وینتام

و اتحاد شوروی را رشته های دوستی محکم برادرانه به
یکدیگر مربوط می سازد . این دوستی در جریان مبارزه
مشترک سوره صلح و استقلال ملی دموکراسی و سوسیالیسم

پویسته تحکیم می گردد و حافظ آن بسط می یابد . مردم
وینتام برای همبستگی و دوستی با اتحاد شوروی ارزش
عالی قائل هستند و بدون خستگی در راه تحکیم این

دوستی پهنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم
پرولتری مبارزه می کنند . مردم وینتام چه در گذشته و
هنگام بیکار انقلابی دشوار و طولانی خود و چه در حال

حاضر در جنبه مقاومت علیه تجاوزن امریکایی و در راه
نجات همین که در آن دفاع از شمال و آزادی -
جنوب و اتحاد مسالمت آمیز کشورهای است و همواره از

پشتیبانی و کمک مجدانه مردم شوروی برخوردار بود . ماند
و هستند . بدین ضابطت اجازه می خواهم مراتب
سیاست لری صادقانه خود را بر قبال این پشتیبانی و کمک

عظیم و لرزنده به حزب کمونیست اتحاد شوروی و همه
شورای عالی دولت شوروی و مردم شوروی ابراز ابرم .
(هوشی من - وان دونگ)

سی سال بعد از تاسیس جمهوری دموکراتیک وینتام و
اصال برای نخستین بار همه خلق وینتام هم در شمال

و هم در جنوب کشور بدون حضور یگانگان بزرگزمین خود سالگرد آزادی خویش را جشن می گیرند .
 مردم ایران که همواره علی و هم حکومت فاشیستی محمدرضا شاه در این سی سال از بیکارهای بیگانه و تحسین آمیز خلق قهرمان ویتنام بی ریا حمایت کرده اند و از پیروزی ما و فراوان آن در همه جبهه ها جنگ و هم در همه عرصه ها زندگی مدرسان ساختمان سوسیالیسم به وجد آمده اند می امین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را از صمیم قلب به مسردم ویتنام و به دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام و به دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی و حزب زحمتکشان ویتنام و جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی شاب با تشکر می گویند بگذار همان طور که وقتی من می خواست و همان طور که او آرزوی می کرد گل همنای سرخ زندگی ه سرزند و شاداب در سرزمین متحد ویتنام بشکند و بگذارد سوسیالیسم در بهینه این سرزمین بکار و قهرمانی پیروز شود .

زند بویخ بودگی و در چنگال شکنجه روانی .
 شش تن از ما به فضای پاک ستارگان عروج کردند یکی را کشتند و دیگری راه کردند ،
 آن گونه که هیچگاه نمی توانستن پنداشت که می شود موجودی انسانی را له کرد .
 چهارتن خواستند خود را بر همانند از همه حواس ها و دلپره ها برخی جهیدند در خلا
 و دیگران سرهای خویش به دیوارها کوفتند و اما مگی بانگهای خیره شده در سیاهی مرک .
 چه در هشتک است چه در قشیمت .
 دقت آنان در تپه کاری همز نمی شناسد و بر لبام گسیختگی شان مهربانی نیست .
 خون برایشان نشان لیاقت و گردن زدن قهرمانی است .
 خداها و همین است آن جهان انسانی که آفریده های !
 برای همین بود آن هفت روزی که خلق کردی و سپس آسودی !
 در میان این چهار دیوار تنها نگران آنم که مرک برای آدمیان بیشتری کام شود نه ما
 و اینک بانگ زنده ای و جان

استاد یوم ، شیلی

وکتورخارا ترانه بیزار خواننده بزرگ انقلابی شیلی واپسین ترانه خود را پیش از مرگ در زندان برای دوستان همزنجیرش خوانده و آنان سخنان او را روی کتیبه آورده اند . خود او بر اثر له شدن انگشتانش زهر شکنجه و قادر به نوشتن نبوده است . از ورزشگاه ناسیونال در سانتیاگو و تنها سه نسخه از این ترانه بیرون آورده شده است . وکتورخارا یکی از بزرگترین انقلابیست های شیلی بود . او مولف ترانه های بسیاری است که خود آن مارا در برابر مردم اجرا می کرد و در نتیجه تقاضای نیز بود . آثار او در شیلی و دیگر کشورهای امریکای لاتین شهرتی به سزا دارد . وکتورخارا باستانی بی نظیر به دست و ترال های خائن شیلی شهید شد . عنوان شعر او " استاد یوم و شیلی " است . حضور شعر آن است که امروز تمام شیلی حالت استاد یوم ناسیونال را دارد که در آن جلادان فاشیست به شکنجه و تیرباران فرزندان شایسته خلق سرگرفتند .

همراه صدای درد دست چرخ کامیون ما خیم می دهد از جزودی بی انتها .
 نظامیان چهره خود می آریند گویی که می خواهند ،
 به سیاهی مادری مهربان در آیند .
 اما کزیک و گویا و دنیا فریاد می کشند :
 ننگ بر این ننگ سیاه .
 ما در این جا ده هزار دستیم در سراسر همین برانگند مایم .
 خوبی که نثار کرد بدیندست رفیق ما
 نورفته تراست از خیماره آن جا و رگبار مسلسل هایشان .
 او ترانه و آخ که چه سخت است سرودنت چرا که می خواهم توی را بسرایم ،
 توی که زندگیم را می کشد ،
 توی که مرگم را می زاید .
 لحظه های بیرون از شماری است که به چهارمخم کشیده اند ،
 در این جا که خاموشی و ناله آماج ترانه من اند .
 در این لحظه های ابدی و چشمان من می بینند

ما پنج هزار تن ایم در این تکه کوچک شهر و ما چند تن خواهم شد اگر بر شمام شهر هارا در سراسر همین مادر این جا ده هزار دستیم ،
 دستهایی که دشت هارا می کارند و کارخانه هارا می چرخانند
 چه پر شمارند مردمانی که به کام گوسنگی و سرما به کام اندوه و نگرانی افکنده شده اند

تخریب خانه های مردم

نوسط ممال رهم شاه

روه های صلح هر روز یکی از محلات فقیر نشین داخل رها خارج از شهر را مورد حمله قرار می دهند زنان و کودکان را بیرون می کنند خانه ها را با تانک و بولدوزر می کوبند و کسانی را که مقاومت می کنند با چوب و چماق به قتل می رسانند و آن دایمی را که به هفتاد نفری خیزند به ساواک می پلوس جنایتکار شاه تحویل می دهند.

در حدود تهران و اطراف آن بنا بر آمارهای دولتی پیش از ۳۰۰ هزار نفر در زلزله های اخیر سا به صدها و خانه های که با چلی آهن پاره و تخته پاره ساخته شده است زندگی می کنند. این سا رانندگان شهرها و روستا های کشورند شهرها و روستا هایی که در دوران پنجاه سالگی دوستان بهلولی به گامون های فقر و ویرانی تبدیل شده اند. فقط در جنوب تهران بنا به نوشته روزنامه اطلاعات که روز سوم آبان ۱۳۳ صفحه خود را به تجلیل و تهنیت از خاندان بهلولی و سرکرده آن محمدرضا شاه اختصاص داده بود و پیش از ۱۵۰ هزار نفر در بیخوله ها و دخمه های زندگی می کنند که حتی سا هم قادر به زندگی در آن جا نیست. در شمال تهران

در جنوب شرقی و غربی این شهر محله های با چوب و تخته و پاره های چلی ساخته شده است که ضاظر هولناک فقر را در کشورهای استعمارزده به یاد انسان می آورد. روزنامه آیندگان یکی دیگر از بلندگو های دربار بهلولی خود در این زمینه می نویسد در کوه های اطراف تهران: گود عرب ها، گود نکلی، گود انوری، گود حاج ماشاله، گود توتنجی، گود خزایی، گود صالحی، گود معصومی، گود حسن غری، گود غالیو فقیر و گودنجی و گود آذری نیز از ۲۰۰۰ واحد سکونی وجود دارد که در هرک از آن ها فقر به معنای واقعی این کلمه حکومت می کند. این ضاظر را در راه کرج و در تپه ماسرهای لشکرک و در جنوب شرقی و غربی پایتخت و در هر چند کیلومتر دور از جاده اتوبیل رویا نزدیک به آن می توان دید.

رژیم محمدرضا شاه در ۳۵ سال حکومت صیاه خود بر این کشور بارها برای زدودن این لکه های ننگ که بر دامن او نشسته است و به لشکرکشی های متعدد علیه ساکنان فقیر و بی دفاع این دخمه ها و بیخوله ها

آنچه را که پیشتر درگزندیده اند. مرگی را که در این لحظه از سرگذر اندام و باز برون خوانندگشت شاید درست در همین لحظه روی دهد.

هوس های شاهانه

انقلاب لوانه و عطی بنده و کسا و با به سرعت فیضه می یابند. و در داخل مدت سریع ترین تصمیمات برای حل پیچیده ترین مشکلات حلگی اتخاذ می شود. اثر باور ندارد به این نمونه توجه کنید:

شاهنشاه انقلابی هوس فرمودند که در جزیره کین، استراحتگاه تابستانی و تفریحگاه آبنمانسی خودشان و دو فرزند گشتی تفریحی کوه از نوم - "روا بو" داشته باشند. هوس همان بود و خرید هوسی طرح. اما شاهنشاه وقت نداشتند که منتظر بمانند تا گشتی اروپا را در بر بزنند و از بد پترانه بگردند و به زیره کین برسند و اطمینان گشتی ها را فورا می خواستند. بید کردن راه حل برای ایشان مشکل نبود. فورا یک وانهای پارویی بزرگ را اجاره فرمودند تا گشتی های تفریحی در آن ها آماده شده و مستقیما به جزیره کین ارسان کردند. کردند و شد. اما وقتی طایق آن بزرگ مدین که با برداشت پول شکفت بریده شده بود و تزیینات تجلی فراوان داشت به جزیره کین رسید و معلوم شد که در جزیره وسائل و امنیای و لنگر اندازی و ادایت و پهلوگیری این گشتی ها وجود ندارد. اما مگر این هم مستطای است؟ انقلاب رستاخیز هم مسائل را به سرعت و به فزیت حل می کند. وانهای دیگری به سرعت بری اجاره شد تا دستاه جانان را که آن ها هم به سرعت برق خریداری شده بودند و مستقیما به کین حمل کند. به برکت انقلاب اداری و سرعت عمل ویژه تمام دستاه های اجرایی بین هوس اولیه شاهانه و به کار افتادن گشتی های تفریحی چند روزی پیش فاصله نیفتاد.

از رشوه گیری و بیرون بلند کردن ما در این جریان که همه به حساب زانه کشور بود و اطلاع شخصی نداریم ولی تصدیق کنید که از کفند بازی و سر دواندن مراجعین و به ویژه از پروکرات بازی هایی که رستاخیز آن را محکوم کرده اید اخبری نبوده است!

اقدام ورزیده است .

حملات اخیر ماموران صلح دولت و جماعت داران شهرداری به کلبه نشینان ترك آباد و بیخوله نشینان اطراف اتوبان داریوش، ادامه آن است . در هفته های اخیر روزنامه های دولت شاهنشاهی ایران برای نخستین بار فاش کردند که در جریان یکی از این حملات و جنایات ماموران دولت يك جوان ۲۲ ساله به نام صفرعلی لکخارا که به دفاع از کلبه محقر خود پرداخته به قتل رسیده است . شهرداری تهران برای پاهال کردن خون این جوان فقیر با پرداخت مبلغی پول از کلبه مردم - خانوادۀ صفرعلی را مجبور کرده است برآید دهند . صفرعلی در ترك آباد به قتل رسیده است و بیخوله او توسط ماموران صلح شاه باخاک یکسان گردیده است . با حمله ساکنین غارها و بیخوله ها به باغراپ کردن سرپناه های بی ریشه و فقیرانه آنها ، با ضرب و جرح زخمگشان ساکن این دغمه ها با کشتن رانند و تمهید کردن آنها ، رژیم محمدرضا شاه می خواهد در آستانه جشن های کدایی پنجادهمین سال سلطنت تنگین و پرآباد دوران پهلوی آنها را این تنگ را از دامن خود پاک کند . لاساکنان این دغمه ها و بیخوله ها باید به کجا پناه برند . مگر این ها ساکنین این سرزمین نیستند ؟ مگر از برکت دست آنها واز خاک کود محل سکونت آنها نیست که این قصرها و کاخ ها در شمال شهر چون قلعه در کنار هم رفته اند .

آمارهای دولتی حاکی است که ما هم اکنون دو میلیون واحد مسکونی کم داریم . روزنامه آیندگان در یکی از شماره های اخیر خوب نوشته است بر اثر عدم توجه دولت بسه امر خانه سازی میزان خانه از ۱۳۴ واحد مسکونی برای برهزار نفر در سال ۲۳۴۵ به ۱۲۲ واحد مسکونی در سال ۱۳۵۱ کاهش یافته است .

می پرسم مسئول بی خانمانی مردم چیست ؟ طبیعی است هموطنان زخمگشان ما از کسانی که برای خراب کردن و آتش زدن کلبه ها و تنگین روستائیان طفا ریشگر کنی عظیم پرداخته اند جز این که برای خراب کردن دغمه ها و بیخوله های آنها نیز لشکر بکشند انتظاری - ندارند . ولی آیا محمدرضا شاه و دارودسته او در واقع فکر می کنند با این لشکر کنی ها می توانند خنجره زشت خود و رژیم ضد ملی حاکم را پنهان دارند ؟ تاریخ چنین واقعه ای را به یاد دارد .

به بحال حطه به ترك آباد تنها يك نمونه است . چند روز پیش ماموران ستگر شهرداری به محله ای - پائین تر از مهرآباد جنوبی حمله کردند و ده ها خانه را ویران نمودند و ساکنین این خانه ها را محقر انگین

در محل چادر زده و در این سرمای زمستان به زیر آن پناه برده اند . پس از آن این حادثه در انتهای پارک و در حوالی میدان شهید نیز تکرار شد و ده ها خانواده فقیر و زخمگشان بی خانمان گرد .

هدف حملات ویرانگر لشکرهای رژیم تنها کلبه ها و کپر ها نیست . خانه های نیز که به اصطلاح در خارج از محدوده شهر ساخته شده نیز از این تهاجمات و ویرانگری ها در لمان نیستند . نمونه اخیر آن هجوم تعداد گتیری از ماموران شهرداری در محبت گارد های صلح شهرتانی و همراه با افراد ژاندارمری به محله شیران در منطقه نارک است . این محله چند هزار نفر جمعیت دارد . اهالی پس از سال ها زحمت و باهزار مشقت و با لگت قرض و فروختن داروندار خود تکه زمینی در این محله خریده و خانه های ساخته بودند که بزخی از آنها ۴۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان برای صاحبان تمام شده بود . اما ماموران رژیم به بهانه این که این محل خارج از محدوده است دست به تخریب خانه ها زدند . در حالی که بیشتر این خانه ها با اجازه قبلی شهرداری بعضی از تعیین محدوده ساخته شده بود .

اهالی برای جلوگیری از تخریب خانه هایشان در خانه های خود می مانند ولی ماموران با پولد و زور و تجیر خانه ها را روی سر ساکنان آنها خراب می کنند و هدای زبور آوری مانند . اهالی از این رفتار ضد انسانی و وحشیانه به خشم آمده و برای جلوگیری از ایمن اقدامات به ماموران حمله می کنند . در جریان زد و خورد هدای شته و زخمی می شوند و از حطه جوانی به نام علی اصغر میرزایی به ضرب گلوله مردهنگ پار صارتیس کلانتری نارک به سختی مجروح شد و راه بیمارستان جان می سپارد . ماموران ده زیادی از اهالی را نیز دستگیر می کنند و ده خانه را ویران می نمایند . اما اهالی تسلیم نشده و برای تظلم عریضه ای تهیه کرده به طرف کاخ نیاوران می روند و قائل از این که در این جریان دست دربار سفاک در کار است که می خواهد در این محل شهرکی برای خود بنا کند . ماموران همه را در اطراف کاخ نیاوران دستگیر کرده به کلانتری می برند و قائلر شب نگه می دارند . بعد از ده ایرا تعویض سارک داده و بقیه را آزاد می کنند . ایمن ماجرا در شهر تهران انصکاس و سیمی پیدا می کند و ده جن خشم و نفرت عمیق مردم را علیه این رژیم وحشی و ضد مردمی موجب می شود و خشم و نفرتی که به زودی به منت کوبنده و ویرانگری بدل خواهد شد و روز سیاه محمدرضا شاه می را خورد خواهد کرد .

رویدادها

انتصاب های کارگری

۱- در کارخانه جنرال موتورز (تهران) مرداد ماه : در نتیجهی اثر ماندن گفتگوهای چند ماهه نمایندگان کارگران با کارفرمایان به خاطر افزایش دستمزدهای کارگران به اندازه انتصاب پرداخت کنندگ متاسفانه به واسطه وجود برخی عناصر پلیس در صفوف کارگران ، پلیس شاه قبل از انجام انتصاب به کارخانه برون بوده و چند تن از کارگران فعال را به شکجه گاه فرستاد . و نیز عده ای از کارگران اخراج شدند .

۲- در کارخانه ایران ناسیونال (اواخر مرداد ماه) : در این کارخانه بین از هزار نفر کارگر در دست و در قسمت های مختلف به کار مشغولند ، اما تنها ۰.۸ نفر از آن ها که در قسمتهای موتور اتومبیل در شیفست روزانه به کار مشغول بودند نسبت به انتصاب درخواه آن ها ۴۰ درصد اضافه دستمزد بود . آن ها از آئین به کارخانه امتناع کردند . انتصاب حدود یک هفته طول کشید و سرانجام با اخراج غیر قانونی ۶۰ نفر از کارگران پایان یافت

۳- در کارخانه مکت سازی مارلی تکر (تهران) : اوائل شهریور ماه : در این انتصاب کلیه کارگران کارخانه شرکت داشتند . آن ها در حالی که در کارخانه حضور یافتند باز کار کردن امتناع می کردند . ۴۰ درصد اضافه دستمزد ، تصحیح لیست بیمه و نوشتن میزان واتی دستمزد آن ها در آن و نیز اتمام ساختمان نیمه تمام سلف سرویس کارگران خواست های آن را تشکیل می داد . انتصاب سه روز طول کشید و با موفقیت پایان یافت و کارگران به ۲۰ درصد اضافه دستمزد و دیگر خواست های خود رسیدند .

۴- در کارخانه توانیز (تهران) شهریور ماه : کارگران به خاطر افزایش دستمزد نسبت به انتصاب بودند از صبح در محل سلف سرویس اجتماع نمودند . فشار مأموران کارخانه و وعده و وعید های تالی و تکراری در عزم کارگران غللی وارد نکرد و گفتند که تا هنگامی که به خواست هایشان رسیدگی نشود پراکنده نخواهند شد و کارگر جوانی به روزی صدلی رفته از وضع ناپسندان کارگران و خواست های آنان سخن گفت . درحالی که شهر مأموران ساواک به سلف سرویس هجوم برده با تهدید و زور کارگران را بیرون کردند و آن کارگر جوان را

دستگیر نمودند . رفتار وحشیانه مأموران ساواک دستگیر کارگران و بدتر از آن ها ، کارگران را به خشم آورده و آن های کوشند با پندگیری از این تجربه صفوف خود را متشنج تر کرده برای مبارزات بعدی آماده شوند .

۵- در چاپخانه ۲۵ شهریور (تهران) شهریور ماه : کارگران این چاپخانه خلعی به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی من اعتراض به چگونگی طرح طبقه بندی مشاغل که سوابق و مهارت آن ها را در نظر نمی گیرد و نیز به خاطر افزایش دستمزدشان با توجه به بالا رفتن سریع قیمت ها دست به انتصاب زدند . انتصاب آن ها ابتکاری و سازمان یافته بود : آن ها نخست دست به کندکاری زدند و بازه کار را پائین آوردند و هنگامی که کارفرمایان و موزی را برای نظارت بر کار آن ها به کارخانه فرستاد ، کارگران شیوه مبارزه را تغییر داده و در مقابل چشم مأموران با سرعت کار می نمودند در حالی که کارا خراب می کردند که باز در حال کار تفریبی پدید می آمد و تولید را طج می کرد . انتصاب طولانی و خوب سازمان یافته کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور و شرایط اختناقی گمنومی تراند برای سایر کارگران آموزنده باشد .

۶- در گروه های آخر بوی تهران (اواخر شهریور) : به دنبال مبارزه با به اصطلاح گرانفروشی به سبک شاهانه به صاحبان کوره ها دستور داده شد که بهای انواع آجر را کاهش دهند و برای این که خبری متوجه آن ها نشود به آن ها توصیه شد که دستمزد کارگران خود را کاهش دهند . این تصمیم ضد کارگری رژیم سفک شاه کارگران زحمتکش کوره ها را که در شرایطی بسیار دشوار ریزی ده دوازده ساعت کاری کنند و بدون این هم زندگی فلاکت باری داشتند به خشم آورد و چون کسی به اعتراضات آن ها توجه نکرد دست از کار کشیدند . اما اعتصاب و تظاهرات حق طلبانه آن ها با واکنش خشن ساواک روبرو شد و همراه با گوماند های ارتشی به کارگران شریف هجوم برده ، ده ها کارگر را به شدت تخریب و چند تن را دستگیر کردند که ۸ تن از آن ها هنوز در زندان هستند . اما مقاومت سرسختانه کارگران و استمرار مبارزه آن ها ساواک را زراداشت که به آن ها قبل ضلعی در زمینه رسیدگی به خواست حق شان بدهد .

نیست. در ضمن لازم به ذکر است که چندی پیش نیز کارندان این شرکت به همین ترتیب در جلوی شرکت اجتماع نموده بودند که نیروهای پلیس و ساواک آن‌ها را متفرق کرده بودند.

اعتصابات و تظاهرات دانشجویان

۱- روز ۸ آبان ماه دانشجویان مدرسه مالمسی اراک طی تظاهرات صنفی وسیع و یکپارچه‌ای که به زودی رنق سیاسی به خود گرفت با تکی چند از اهدافی ساواکی کادر آموزشی و نیز مأموران ساواک که بالباس مبدل به محوطه مدرسه عالی آمده بودند به زد و خوریدار افتند. طی این تظاهرات وسیع که بانگس الحمل بی‌رویه و تهنی مفرزانه مأموران ساواک به خشونت بی‌سابقه‌ای انجامید، عده‌ای از دانشجویان مجروح شدند و تقریباً تمامی در و پنجره‌ها و شیشه‌های مدرسه عالی اراک خرد و شکسته شد.

دانشجویان نخست به نمایش است آموزشی جدید و رژیم که مقرری دارد هر یک از مدارس عالی غیر دولتی باید به یکی از دانشگاه‌های دولتی، با وزارتخانه‌ها وابسته باشند. اعتراض داشتند بر اساس این مصوم تازه و مدرسه عالی اراک باید تاج دانشسرای عالی تهران باشد و پلیسی است که چنین تصمیمی بیشتر به نظیر کنترل بیشتر کادر آموزشی و نیز دانشجویان موسسات عالی آموزشی اتخاذ شده و نمونه دیگری از روی‌های دیکتاتورانه پانام و شامیستی رژیم شاه - ساواک است که می‌خواهد آموزش را در خدمت قلمرو پلید و خد خد خلق خود قرار دهد. این تصمیم نارنجی شدید کادر آموزشی مدارس عالی و نیز دانشجویان آن‌ها را مسبب شده چرا که دانشجویان معتقدند این تصمیم ارزش مدرک تحصیلی آن‌ها را پائین می‌آورد و به دانشگاه آن‌ها صورت یک مرکز آموزشی تابع و وابسته و درجه دو می‌دهد. اما این مسئله با همه محتوی صنفی قابل توجهش، بهانه‌ها بود تا دانشجویان خشم و انزجار خود را از شرایط اشتغال پلیسی و دست‌اندازی‌های ساواک به تمامی شعبان اجتماعی کشور از جمله دانشگاه‌ها، ابراز دارند و به پر شدن زندان‌ها از آزادیخواهان و مبارزان خلقی و تشدید بی‌سابقه شیوه‌های کثیف ترور پلیسی و شامیستی کردن حیات سیاسی کشور اعتراض نمایند.

تظاهرات دانشجویان با فریاد‌های دسته جمعی "اتحاد، مبارزه، پیروزی" زینت یافت و شعارهای سیاسی دیگر رنگ اعتراضی آن‌ها شد و ترک کرد. سرانجام برای درهم شکستن تظاهرات دانشجویان عده‌ای از مأموران ساواک و گوماند‌های پلیس از تهران اعزام شدند که با وحشیگری بی‌سابقه‌ای به جان دانشجویان افتاد

۷- در کارخانه جهان چیتز تهران ۵ اواسط آبان ماه: کارگران این کارخانه که در سال‌های اخیر بارها دست به مبارزه اعتراضی زده و یک بار ۲۵ فرسنان توسط عمال رژیم شهید شدند این بار نیز به خاطر افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. اعتصاب سه روز طول کشید و با افزایش متقابل ۱۴ درصد به دستمزدها کارگران با موفقیت پایان یافت.

۸- در سازمان آب و برق شمال (رستم): اعتصاب پرشر نزدیک به هزار تن از کارگران دستگاه مرکزی سازمان آب و برق شمال در شهر رستم نزدیک به سه ماه پیش اتفاق افتاد. کارگران نخست درخواست‌های خود را که در این آن‌ها تقاضای ۲۰ درصد اضافه حقوق قرارداد است با مسئولان مربوطه در میان گذاشتند و وقتی نتیجه نگرفتند بایک اعتصاب ناگهانی و یکپارچه شیوه خود را تغییر دادند. با این اعتصاب مسئولان به دست و پا افتاده و به علت حساسیت کار آنان به زودی تقاضاهای کارگران را پذیرفتند و اعتصاب کاملاً به موفقیت کامل به پایان رسید.

۹- در کارخانه نوکار (بندرعباس): در این کارخانه که در سرحده میناب - بندرعباس واقع شده بود تا بندرعباس حدود بیست کیلومتر فاصله دارد. کارکنان به کار مشغولند که بارها از جلد در فریاد و آوارگی دست به اعتصاب زدند. تازه ترین اعتراض آن‌ها در مهر ماه آشنایی است که در نتیجه آن دستمزدهای کارگران افزایش یافت.

۱۰- در اسکله جدید بندرعباس: کارگران اسکله جدید بندرعباس در خرداد ماه گذشته برای افزایش دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب یک هفته طول کشید و با موفقیت پایان پذیرفت و در نتیجه آن دستمزدهای کارگران تا حدودی افزایش یافت.

۱۱- در شرکت شیلات جنوب (بندرعباس): چندی پیش کارگران زن این شرکت به خاطر کمی دستمزدهایشان دست به اعتصاب و تظاهرات خیابانی زدند.

۱۲- در شرکت بون منطقه‌ای تهران: در آبان ماه ۵۰ نفر از کارندان زن و مرد این شرکت به واسطه عدم توجه به خواست‌های آن‌ها و از آن جمله انزایش حقوقشان دست به اعتصاب زدند. آن‌ها در جلوی ساختمان شرکت در میدان ژاله اجتماع نموده و به تظاهرات پرداختند. از نتیجه این اعتصاب هنوز خبری در دست

دوخیمان سلواک اسپرند . رژیم سیاه محدودتر شاهی که اکنون سالیان درازی است که سایه شوم خود را بر این سرزمین انداخته و شیخی دولناک را بر مردم زحمتگشایی میهن ما تحمیل کرده رژیم است که نه تنها در سرسبزگی به اصرار ایستادگی جهانی و بازگذاشتن دست و حتی تشویق انحصارات امپریالیستی به غارت ثروت های طبیعی و انسانی میهن ما و نظامیگری افسارگسیخته و تجاوز به حقوق خلق های دیگر در زمان ما بی نظیر است ، بلکه در عرصه فرهنگ و هنر نیز گویی سبقت را از جلال ان فاشیستی چون فرانکو در اسپانیا ، پیونوشه در شیلی و ونیزی در سوئدان و نیز حکاران مرحوض چون تیودور و بنام جنوی و هایل سلاسی در حبشه ، سرهنگان یونان و سالازار - کاتانودیرتغال ر بوده است .

این رژیم که در گونه صدای اعتراضی را در گوشه می کند و با سیاست ضد فرهنگی و ضد جبری و شکستن علم و جلوگیری از تبادل اندیشه و نظر خود و پیشرفت سالم فرهنگی و هنری را در کشور ما مد کرده و مبتذل ترین و ارتجاعی ترین و ضحط ترین نوع فرهنگ (پاشاید ضد فرهنگ) را در جامه ما اشاعه می دهد و علمی دوران موجودیت ننگین و سیاه خود بارها به محیط روشنگری مرفقی ایران هجوم برده و شلرانی چون خسرو گسرخ را به جوبه اعدام بسته و نویسندگان مانند و میهن دوستی چون به آذین و گلشیری ، ساعدی و تنگابی و شریعتی را به زندان افکند هاست .

اینک بار دیگر رژیم شاه - ساواک به محیط ادبی و هنری میهن ما هجومی تازه برده و چهارتن از بهترین و پراچ ترین نویسندگان و هنرمندان ایران را به دست جلا دان سپرده است .

سلطانپوره دولت آبادی ، یلفانی و رحمانی نژاد اکنون در زندان های شاه هستند . آن خارا لی مدت طولانی به شدت شکنجه داده اند .

خبر می رسد که سلطانپوره نویسنده ، شاعر و نمایش نویسند و خلیقی به جمال زندان دولت آبادی در استان نویسنده معروف به ۲ سال زندان ، یلفانی به ۳ سال و رحمانی نژاد به ۱۲ سال زندان محکوم شده اند .

دستگیری ، شکنجه و محکومیت این چهار نویسنده و هنرمند میهن پرست به حق خشم و نفرت همه آزاد یخراشان و نیروهای مرفقی را برانگیخته است . باید به هر وسیله گذشته این خشم و نفرت را به تظاهراتی وسیع و تودمائی بر علیه رژیم جبار ، ضد فرهنگی و سیاه شاه و برای رهایی این چهار هنرمند و کلیه زندانیان سیاسی ایران مبدل کرد .

عده زیادی را مجروح کردند . سرانجام مدرسه عالی - اراک تعدای گردیده و عده زیادی از دانشجویان برای یک هفته یا پنج تم از ادامه تحصیل محروم شدند . گفته می شود در جریان این تظاهرات و پس از آن گروهی از دانشجویان توسط ساواک بازداشت گردیدند .

۲- در مدرسه عالی باهل : دانشجویان مدرسه عالی باهل دست به انتصاب زد ماند . خبرهای پراکنده ای که در این باره به دست ما رسیده حکایت از وضعیت داخلین تظاهرات اعتراضی دانشجویان دارد . خبرها شرح تری را در این باره در شماره آینده چاپ خواهیم کرد .

۳- سیاحت شد آموزشی و ضد دانشجویی رژیم شاه : امروز ابعاد تازه ای به خود می گیرد . اخیرا ۲۸۱ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران را به بهانه این که نمرات آن ها به حد نصاب لازم در هر ترم نرسیده از دانشگاه اخراج کردند . در بین این دانشجویان هفتاد سال آخر تحصیل خود را می گذرانند . اعتراضی - دانشجویان به جایی نرسیده و نمانندی ، رئیس دانشگاه اظهار داشته که از دست او کاری بر نمی آید و تصمیم از بالا (یعنی ساواک) گرفته شده است . گفته می شود که بخش مهمی از این عده همراه فاطمه باقری فعالیت های سیاسی و صنفی اخراج کرده اند چون حتی نمرات آن ها به حد نصاب نرسیده به بود .

۴- در دانشکده کشاورزی ساری (مازندران) اخیرا دانشجویان این دانشکده دست به انتصاب و تظاهرات وسیعی زدند که در آغاز با خواست های صنفی توأم بود ولی به زودی رند ، سیاسی به خود گرفت و شعارهای مبارزه جوانانه و ضد رژیم نظیر " مرگ پسر شاه " آن را زینت داد . این تظاهرات در نتیجه هجوم و حشمانه عمال سلواک و کوماندوهای پلیس درهم شکسته شد . در جریان این هجوم عده زیادی مجروح گردیدند که در میان آن ها دو استاد نیز بودند که در بیمارستان بستری گردیدند . در جریان این انتصاب و تظاهرات - عده ای از دانشجویان به شکنجه گاه های ساواک فرستاده شدند . گفته می شود در این انتصاب ۳ تن از دانشجویان به دست دوخیمان شاه کشته شده اند .

دستگیری ، شکنجه و محاکمه چهارتن از هنرمندان اکنون مدتی است که چهارتن از بهترین نویسندگان و هنرمندان مردمی این سرزمین - سعید سلطانپوره و ناصر رحمانی نژاد و محمود دولت آبادی و یلفانی در دست